



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

تقدیر شده سیرا ۲۲۱



راهی برای آشتی با خدای مهربان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان

نویسنده:

مهدی خدامیان آرانی

ناشر چاپی:

دعوت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	مقدمه
۱۶	۱- خدای من !
۱۷	۲- خدای من !
۱۸	۳- خدای من !
۱۹	۴- خدای من !
۲۰	۵- خدای من !
۲۱	۶- خدای من !
۲۲	۷- خدای من !
۲۳	۸- خدای من !
۲۴	۹- خدای من !
۲۵	۱۰- خدای من !
۲۶	۱۱- خدای من !
۲۷	۱۲- خدای من !
۲۸	۱۳- خدای من !
۲۹	۱۴- خدای من !
۳۰	۱۵- خدای من !
۳۱	۱۶- خدای من !
۳۲	۱۷- خدای من !
۳۳	۱۸- خدای من !
۳۴	۱۹- خدای من !

- ۳۵! -۲۰ خدای من!
- ۳۶! -۲۱ خدای من!
- ۳۷! -۲۲ خدای من!
- ۳۸! -۲۳ خدای من!
- ۳۹! -۲۴ خدای من!
- ۴۰! -۲۵ خدای من!
- ۴۱! -۲۶ خدای من!
- ۴۲! -۲۷ خدای من!
- ۴۳! -۲۸ خدای من!
- ۴۴! -۲۹ خدای من!
- ۴۵! -۳۰ خدای من!
- ۴۶! -۳۱ خدای من!
- ۴۷! -۳۲ خدای من!
- ۴۸! -۳۳ خدای من!
- ۴۹! -۳۴ خدای من!
- ۵۰! -۳۵ خدای من!
- ۵۱! -۳۶ خدای من!
- ۵۲! -۳۷ خدای من!
- ۵۳! -۳۸ خدای من!
- ۵۴! -۳۹ خدای من!
- ۵۵! -۴۰ خدای من!
- ۵۶! -۴۱ خدای من!
- ۵۷! -۴۲ خدای من!
- ۵۸! -۴۳ خدای من!
- ۵۹! -۴۴ خدای من!
- ۶۰! -۴۵ خدای من!

- ۴۶- خدای من ! ۶۱
- ۴۷- خدای من ! ۶۲
- ۴۸- خدای من ! ۶۳
- ۴۹- خدای من ! ۶۴
- ۵۰- خدای من ! ۶۵
- ۵۱- خدای من ! ۶۶
- ۵۲- خدای من ! ۶۷
- ۵۳- خدای من ! ۶۸
- ۵۴- خدای من ! ۶۹
- ۵۵- خدای من ! ۷۰
- ۵۶- خدای من ! ۷۱
- ۵۷- خدای من ! ۷۲
- ۵۸- خدای من ! ۷۳
- ۵۹- خدای من ! ۷۴
- ۶۰- خدای من ! ۷۵
- ۶۱- خدای من ! ۷۶
- ۶۲- خدای من ! ۷۷
- ۶۳- خدای من ! ۷۸
- ۶۴- خدای من ! ۷۹
- ۶۵- خدای من ! ۸۰
- ۶۶- خدای من ! ۸۱
- ۶۷- خدای من ! ۸۲
- ۶۸- خدای من ! ۸۳
- ۶۹- خدای من ! ۸۴
- ۷۰- خدای من ! ۸۵
- پی نوشت ها ۸۶

۱۰۱ ----- منابع

۱۰۷ ----- درباره مرکز

خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان/مهدی خدامیان آرانی

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۹-۶۳-۶ :

پدیدآورنده(شخص) خدامیان آرانی، مهدی، ۱۳۵۳ -

عنوان : آسمانی ترین عشق: به شیعه بودن خود افتخار کنید!

تکرار نام پدیدآورمهدی خدامیان آرانی

مشخصات نشرتهران: دعوت، ۱۳۸۸ .

مشخصات ظاهری ۸۲ص

بها ۱۳۰۰۰ریال

یادداشتکتابنامه : ص [۷۴] - ۷۹، همچنین بصورت زیر نویس

موضوعداستانهای مذهبی--قرن ۱۴

موضوعشیعه -- داستان

موضوعاسلام -- داستان

رده کنگره ۹، BP، /خ ۳۷ آ ۱۳۸۸، ۵،

رده دیوئی ۲۹۷/۶۸

شماره مدرک ۱۷۵۴۴۹۳

مشخصات ظاهری : ۹۶ص.

فروست : (اندیشه سبز؛ ۱۷)

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۴۸۹۸۷

ص: ۱

اشاره

خدای قلب من : راهی برای آشتی با خدای مهربان

مهدی خدامیان آرانی

ص: ۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادم نمی رود اولین باری که خدا توفیقم داده بود و من در شهر مدینه بودم.

شب جمعه بود و در کنار قبرستان بقیع، دعای کمیل برگزار می شد من همراه با دیگر هموطنان خود در آن مراسم شرکت کرده بودم. مراسم باشکوهی بود.

بعد از مراسم دعا، فکری به ذهنم رسید، دوست داشتم بدانم این مراسم، چه دستاوردی برای هموطنان من داشته است.

برای همین تقریباً از دویست نفر این سؤال را پرسیدم:

حاج آقا! حاج خانم!

آیا می توانی یک جمله از این دعایی که خوانده شد را برای من ترجمه کنی؟ به راستی ما در این مدت به خدا چه گفتیم و از او چه خواستیم؟

شاید تعجب کنید، بیشتر مردم به من نگاه می کردند و نمی توانستند جوابی بدهند.

آن شب بود که من با خود گفتم که آیا وقت آن نرسیده است که دعاهای زیبایی که از ائمه اطهار(علیهم السلام) رسیده است برای مردم و خصوصاً جوانان عزیز،

ترجمه کنیم؟

این گونه بود که این کتاب نوشته شد تا قدمی کوتاه به سوی آن آرزو بزرگ باشد.

اکنون تو با این کتاب که ترجمه ساده ای از دعاهاى مختلف است، مى توانى با خداى قلب خود سخن بگویی و لذت ببری.

شما مى توانید دليل سخنان مرا در پی نوشت هایی که برایتان ذکر کرده ام، بیابید.

بسیار خوشحال مى شوم که از نظرات شما در مورد این کتاب بهره ببرم ، منتظر شما هستم .

مهدی خُدامیان آرانی

قم اذر: ۱۳۸۷

ص: ۶

۱- خدای من!

از تو می خواهم با من مهربان باشی آن لحظه ای که مرگت به سراغم آمده باشد و دوستان و عزیزانم بر من گریه کنند!

آن لحظه ای که مرا در تابوت بنهند و به سوی قبر ببرند، من خیلی به مهربانی تو محتاجم.

چرا که تو خود می دانی آن لحظه ها، هنگام بی کسی من است.

امیدم فقط به تو است که دستم را بگیری و غم از دلم بزدایی. (۱)

اگر تو مرا بپذیری، دیگر از دوری همه، غمی به دل نخواهم داشت.

ای کسی که سخن بندگان خود را می شنوی و امیدشان را ناامید نمی کنی! (۲)

ص: ۷

-
- ۱- ۱. .إلهی، وسیدی، ارحمنی مصروعاً علی الفراش تقلبني أیدی أحبتي، وارحمنی مطروحاً علی المغتسل، یغسیلنی صالح جیرتی، وارحمنی محمولاً قد تناول الأقرباء أطراف جنازتی، وارحم فی ذلك البيت المظلم وحشتی و غربتی و وحدتی: الدعوات للراوندی ص ۱۷۹، مفتاح الفلاح ص ۲۵۸، الأمالی للصدوق ۲۸۹، روضه الواعظین ص ۱۹۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰.
- ۲- ۲. .إلهی، ما تضریرنا فرقه الإخوان والقربات إن قرّبتنا منک یا ذا العطیات...: المصباح ص ۳۷۳، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۵، دستور معالم الحکم ص ۱۶۳.

۲- خدای من!

اگر عمر مرا هزاران سال قرار دهی و من هم در تمام عمر به عبادت تو! مشغول شوم، نمی توانم شکر یکی از نعمت هایی که به من داده ای، بجای آورم

به خودت قسم، من می دانم که نمی توانم آن همه نعمت های خوب تو را شکرگزاری کنم!^(۱) به راستی که بندگان خوب تو هم مثل من از شکر تو ناتوانند.

اما دلم به این خوش است که در مقابل این همه نعمت های تو اعتراف کنم که از شکر تو عاجز و ناتوانم!

من این احساس ناتوانی را به پیشگاهت هدیه می کنم.

شاید که قبول کنی!^(۲)

ص: ۸

۱- ۳. . إلهی، وعزّتک وجلالک وعظمتک، لو أنّی منذ بدعت فطرتی من أوّل الدهر عبدتک دوام خلود ربوبیتک بكلّ شعره فی کلّ طرفه عین سرمد الأبد بحمد الخلائق وشکرهم أجمعین، لکنّ مقصّراً فی بلوغ أداء شکر أخفی نعمه من نعمتک علیّ...: مفتاح الفلاح ص ۲۴۵، الصحیفه السجّادیه ص ۵۳۵، الأمالی للصدوق ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰.

۲- ۴. . فأشکر عبادک عاجز عن شکرک...: الصحیفه السجّادیه ص ۲۷، المصباح ص ۴۱۳.

۳- خدای من!

تو خود می دانی که اگر من معصیت کردم، شرمنده تو هستم.

چه کنم، شیطان وسوسه ام کرد و فریبم داد.

چون شیطان خودش از تو دور شده بود، می خواست مرا هم از تو دور کند.

اما خودت خوب می دانی، من طاقت دوری تو را ندارم.

من بدون تو نمی توانم زنده بمانم!

من به عشق و مهربانی تو زنده هستم.

پس بر من رحم کن و توبه ام را بپذیر چرا که می دانم تو توبه کنندگان را بسیار دوست داری!

اکنون که به درگاہت آمده ام، به بخشش بی انتہایت امید بسته ام.

ای بهترین بخشنده ها! (۱)

ص: ۹

۱- ۵. . وعصیتک علی غیر مکابره ولا- معانده ولا استخفاف منی بر بوبیتک، ولا جحد لحقک، ولكن استرلنی الشیطان بعد الحجّه والبیان، فإن تعدّبنی فبذنوبی، وإن تغفر لی فبجودک ورحمتک، یا أرحم الراحمین: الصحیفه السجّادیه ص ۴۹۷، الأمالی للطوسی ص ۴۱۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۱.

۴- خدای من!

تو که می دانی من لحظه ای در ایمان به تو شک نکرده ام و هرگز گرد شرک و کفر نرفته ام!

اما گاه هوای نفس فریبم داد و به گناه آلوده شدم.

تو که از قلبم آگاه بوده و هستی، خوب می دانی.

آری، گناه من یک هوس سیاه بود ولی به معنای قهر کردن با تو نبود.

تو خود می دانی همان لحظه گناه هم نمی خواستم با تو دشمنی کنم!

اکنون از کرده خویش پشیمانم و به درگاه تو رو کرده ام.

پس گناهم ببخشای که من محتاج بخشش توام!^(۱)

ص: ۱۰

۱- ۶. إلهی، إن كنت عصيتك بارتكاب شيءٍ مما نهيتني عنه، فإني قد أطعتك في أحبِّ الأشياء إليك الإيمان بك، متاً منك به عليّ، لا- منياً مني به عليك، وتركت معصيتك في أبغض الأشياء إليك أن أجعل لك شريكاً أو أجعل لك ولداً أو نداً، وعصيتك على غير مكابره ولا معانده ولا استخفاف مني...: الصحيفه السجادية ص ۴۹۷، الأمالی ص ۴۱۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۱؛ اللهم إن كنت قد عصيتك فإني قد أطعتك في أحبِّ الأشياء إليك وهو الإيمان بك...: كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۳۳، مكارم الأخلاق ص ۲۷۸، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۳۱، جامع أحاديث الشيعة ج ۴ ص ۵۳۴، الغارات ج ۲ ص ۸۴۹، الأمالی للطوسی ص ۴۱۵.

۵- خدای من!

دیشب خیلی دلم هوای تو را کرده بود و می خواستم با تو سخن بگویم و درد دل کنم اما به یاد گناهان خویش افتادم، شرمنده رویت شدم و سکوت کردم.

راستش از تو خجالت کشیدم.

اما وقتی به تپش های قلب خویش گوش فرادادم، دوباره متوجه لطف تو شدم!

این قلب من به عشق تو می تپد!

زیرا تو مرا عاشق زیبایی هایت نموده ای، و من دیگر نمی توانم دوست نداشته باشم!

آن خجالت گناه در پرتو عشق تو رنگ باخت و بار دیگر صدایت زدم.

ای خدای قلب من، دوست دارم!^(۱)

ص: ۱۱

۱- ۷. إلهی، کیف أدعوك وقد عصيتك، و كيف لا أدعوك وقد عرفت حبك في قلبي، وإن كنت عاصياً مددت إليك يداً بالذنوب مملوءه، وعيناي بالرجاء ممدوده، مولای أنت عظیم العظماء، وأنا أسیر الأسراء، أنا أسیر بذنب مرتهن بجرمی، إلهی، لئن طالبتني بذنبي لأطالبنك بكرمك، ولئن طالبتني بجريرتي لأطالبنك بعفوك... مفتاح الفلاح ص ۲۴۱، الصحيفه السجادية ص ۴۸۵، الأمالی للصدوق ۴۳۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۴۳۸.

۶- خدای من!

اگر می دانستم که عذاب کردن برای تو فایده ای دارد، از تو می خواستم تا به من صبری عنایت کنی تا عذاب تو را تحمل کنم!

اما چه کنم که می دانم اگر همه مردم نافرمانی تو کنند به تو هیچ ضرری نمی رسانند.

حال که می دانم معصیت و گناهم به تو هیچ ضرری نمی رساند؛

اکنون که می دانم حتی کارهای خوب من هم برای تو هیچ فایده ای ندارد؛

از تو می خواهم که گناهم را ببخشایی و مرا از عذاب خود نجات دهی.

ای کسی که قبل از من هم گنهکاران زیادی را بخشیده ای!

ای مهربان ترین مهربانان!^(۱)

ص: ۱۲

۱- ۸. سیدی، لو أنّ عذابی ممّا یزید فی ملکک لسألتک الصبر علیه، غیر أنّی أعلم أنّه لا یزید فی ملکک طاعه المطیعین، ولا ینقص منه معصیه العاصین: مفتاح الفلاح ص ۲۵۸، الصحیفه السجّادیه ص ۲۰۱، الأمالی للصدوق ص ۲۸۸، روضه الواعظین ص ۱۹۸، فضل الکوفه ومساجدها ص ۵۸، المزار لابن المشهدی ص ۱۴۷، المزار للشهید الأول ص ۲۶۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰.

۷- خدای من!

فردای قیامت که مرا بار دیگر زنده کنی و برای حسابرسی صدایم بزنی به خودت قسم!

اگر گناهانم را برایم بشماری، من هم بخشش و مهربانی هایت را برایت می شمارم!

اگر خطاهایم را به رخم بکشی، من هم آقایی و بزرگی تو را به رخت خواهم کشید!

باور کن که هیچ گاه مهربانی هایی که به من نمودی فراموش نمی کنم!

شاید یک بار دیگر با مهربانی به من نگاه کنی.

و آن گاه خوشا به حال من! (۱)

ص: ۱۳

۱- ۹. إلهی، وسیدی وعزتک وجلالک، لئن طالبتنی بذنوبی لأطالبک بعفوک، ولئن طالبتنی بلومی لأطالبنک بکرمک...: مصباح المتهجد ص ۵۹۶، الاختصاص ص ۴۱، المصباح ص ۶۰۰، أعيان الشیعه ج ۱ ص ۶۴۹.

۸- خدای من!

همه دنبال این هستند که عزیز و بزرگ شوند و من هر چه فکر می‌کنم می‌بینم که عزّتی بالاتر از این نیست که بنده خدایی چون تو هستم.

به راستی که عزّت دنیا و آخرت در بندگی تو است.

به خودت قسم، برای من همین بس که خدایی چون تو بزرگواری و مهربان دارم.

وقتی می‌بینم خدایی، چون تو دارم به خود می‌بالم و دلشادم.

تو همان گونه هستی که من دوست دارم!

پس مرا هم آن گونه قرار ده که خود دوست داری.

تا همواره از بندگان خوب تو باشم. (۱)

ص: ۱۴

۱ - ۱۰. .إلهی، کفی بی عزّاً أن أكون لك عبداً، وكفی بی فخراً أن تكون لی ربّاً، أنت کما أحبّ فاجعلنی کما تحبّ... الخصال ص ۴۲۰، مسند الرضا ص ۸۴، کنز الفوائد ص ۱۸۱، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۲.

چون به یاد گناهانم می افتم، دیگر نمی توانم با تو سخن بگویم و تو را صدا بزنام!

اما همان لحظه است که امید به تو نجاتم می دهد(۱)

و مرا به گدایی در خانه ات راهنمایی می کند!

آری، خوب می دانم تو هستی که بیک امید را برای قلب من می فرستی تا مبادا در ناامیدی تباه شوم.

اکنون که مرا به لطف خویش امیدوار کرده ای، امیدم را ناامید مکن.

چرا که از همه کس ناامید شده ام و به تو دل بسته ام.(۲)

اکنون که تو امید را به من یاد داده ای پس ترس و وحشت را از دلم بزدا و آرامش را بر من ارزانی دار.(۳)

ص: ۱۵

۱- ۱۱. اللهم إن كانت الذنوب تكف أيدينا عن انبساطها إليك بالسؤل، والمداومه على المعاصي تمنعنا عن التضرع والابتهاال، فالرجاء يحثنا إلى سؤلك، يا ذا الجلال، فإن لم يعطف السيد على عبده، فممن يتغى النوال، فلا ترد أكفنا المتضرعه إلا ببلوغ الآمال...: مفتاح الفلاح ص ۲۵۹، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۳.

۲- ۱۲. يا ربّ الأرباب أنت أنت أنت الذى انقطع الرجاء إلا منك: الكافي ج ۳ ص ۳۲۸، بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۲۲۲؛ اللهم أنت أنت انقطع الرجاء إلا منك، وخابت آلام إلا فيك: وسائل الشيعة ج ۵ ص ۲۵۴، مستدرک الوسائل ج ۸ ص ۱۲۸، جمال الأسبوع ص ۱۱۹، فلاح السائل ص ۲۵۶.

۳- ۱۳. فيا معلّم موالیه الأمل فيذهب عنهم كآبه الوجل...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۶.

آن لحظه ای را به یاد می آورم که بدنم را در قبر نهند؛

دوستانم بر سر خاکم گریه کنند و اشک بریزند؛

من سر بر تیره خاک نهاده باشم و در تنهایی خود بی کس و تنها باشم.

تاریکی قبر آزارم دهد و قلبم را با وحشت عجین سازد.

در آن لحظه های بی کسی به فریادم برس!

مرا به مهمانی خود قبول کن!

که اگر تو مرا قبول کنی از هر کسی به من مهربان تر خواهی بود؛

هم مونس و هم رفیق من خواهی بود

و آن لحظه ها، شیرین تر از عسل خواهند شد.

چرا که به مهمانی تو آمده ام و کسی که میزبانی چون تو دارد غم ندارد. (۱)

ص: ۱۶

۱- ۱۴. . إلهی، کأنتی بنفسی قد أضجعت فی حفرتها، وانصرف عنها المشیعون من جیرتها، وبکی الغریب علیها لغربتها، وجاد علیها المشفقون من جیرتها، وناداهما من سفیر القبر ذو مودّتها، ورحمها المعادی لها فی الحیاه عند صرعتها، ولم یخف علی الناظرین ضرّ فافتها، ولا علی من رآها قد توسّدت الثری وعجز حیلتها، فقلت: ملائکتی، فرید نأی عنه الأقربون، وبعید جفاه الأهلون، نزل بی قریباً، وأصبح فی اللحد غریباً، وقد کان لی فی دار الدنیا داعیاً، ولنظری له فی هذا الیوم راجیاً، فتحسن عند ذلك ضیافتی، وتكون أشفق علی من أهلی وقرابتی: الدعوات ص ۱۸۰، الصحیفه السجادیه ص ۴۵۸، المصباح ص ۳۷۶، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۳.

۱۱- خدای من!

وقتی تو را صدا می زنم، صدایم را بشنو!

وقتی با تو سخن می گویم، رویت را از من برمگردان و مهربانانه نگاهم کن!

من به درگاه تو پناه آورده ام.

تو که از حال من خبر داری، حاجت مرا می دانی و قلب مرا می خوانی

اگر تو جواب مرا ندهی چه کسی یاریم می کند؟

من خود می دانم که شایسته مهربانی تو نیستم اما رحمت تو آن قدر بی انتها است که می تواند مرا هم در برگیرد!

به درگاه تو آمده ام در حالی که به رحمت تو امیدوارم.

پس رویت را از من برمگردان!

دست رد بر سینه ام مزن که جز تو کسی را ندارم! (۱)

ص: ۱۷

۱-۱۵. و اسمع ندائی إذا نادیتک، و اسمع دعائی إذا دعوتک، و أقبل علیّ إذا ناجیتک، فقد هربتُ إلیک، و وقفتُ بین یدیک، مستکیناً لک متضرّراً إلیک، راجياً لک لمدیک، ترانی و تعلم ما فی نفسی، و تخبر حاجتی و تعرف ضمیری، و لا یخفی علیک أمر منقلبی و مثوای، و ما أريد أن أُبدئ به من منطقی، و أتفوّه به من طلبتی، و أرجوه لعاقبه أمری...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۷.

۱۲- خدای من!

در این فکر بودم که اگر مرگ به سراغ من آید چه کنم و چگونه با تو روبرو شوم؟

آیا به نماز و روزه ام بنازم؟

نه، همه کارهای من پر از عیب و نقص است، پس چه کنم، چه چیز را به درگاه تو عرضه کنم؟

فهمیدم، تنها یک چیز دارم که بی عیب و نقص است و می توانم آن را به درگاه تو بیاورم، آن هم اعتراف به گناهانم است!

تو خود می دانی که در این احساس شرمندگی خویش، ریایی نکرده ام، این پاک ترین احساس من بوده است!

برای همین آن را برای شب اول قبرم، ذخیره کرده ام که به درگاه تو عرضه کنم. (۱)

ص: ۱۸

۱- ۱۶. إلهی، إن كان قد دنا أجلی ولم يقربنی منك عملی، فقد جعلت الاعتراف إلیك بذنبی وسائل علی...: مصباح المتهدّج ص ۵۹۳، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۶۹، المصباح ص ۳۷۴، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۵.

چگونه از بخشش تو در روز قیامت ناامید شوم حال آنکه در این دنیا جز خوبی از تو ندیدم!

تو گناهان مرا در این دنیا پوشاندی، حال چه می شود که در روز قیامت گناهانم را بپوشانی!

اگر مرا دوست نمی داشتی، مرا با خود آشنا نمی کردی.

برای روز قیامت، به کارهای خوبم دلخوش نیستم چرا که اعمال خوبم بسیار کم است اما دلخوشیم، در امیدواری به تو است، چرا که خودت هم می دانی، امید من به تو بسیار زیاد است.

می دانم که تو هیچ گاه این امید را از من نخواهی گرفت!

چرا که خود می دانی، این تنها سرمایه من است!

امید به تو همه چیز من است. (۱)

ص: ۱۹

۱- ۱۷. . إلهی، لم یزل برك علیّ أيام حیاتی، فلا تقطع برك عنی فی مماتی، وأنت لم تولّنی إلاّ الجمیل فی حیاتی. إلهی، تولّ من أمری ما أنت أهله، وعد بفضلک علی مذنب قد غمره جهله. إلهی قد سترت علیّ ذنوباً فی الدنيا وأنا أحوج إلى سترها علیّ منك فی الأخری. إلهی، قد أحسنت إلیّ إذ لم تطهرها لأحد من عبادک الصالحین، فلا تفضحنی یوم القیامه علی رؤس الأشهاد... إلهی، لو أردت هوانی لم تهدنی، ولو أردت فضیحتی لم تعافنی. إلهی، ما أظنک تردّنی فی حاجه قد أفیت عمری فی طلبها منك... إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۶، المصباح ص ۳۷۴، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۷.

تو که می دانی فقط عشق تو می تواند مرا از گرداب گناه نجات دهد و از دام شیطان برهاند. (۱)

پس عشق خودت را در قلبم بیشتر و بیشتر بگردان که باور دارم عشق تو مایه نجات دنیا و آخرت من است.

قلب مرا حرم خود قرار داده ای پس کمک کن تا غیر تو در این حرم جای نگیرد. (۲)

خدایا! به من دلی مملو از شوق به خودت بده تا بتوانم به تو نزدیک و نزدیک تر شوم.

مرا از کسانی قرار ده که لحظه به لحظه، عشق و محبتشان به تو بیشتر و بیشتر می شود. (۳)

ص: ۲۰

۱- ۱۸. . إلهی، لم یکن لی حول فأنقل به عن معصیتک إلاّ فی وقت أیقظنی لمحبتک، فکما أردت أن أكون کنت، فشکرتک بإدخالی فی کرمک، ولتطهیر قلبی من أوساخ الغفله عنک... إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۸، مستدرک سفینه البحار ج ۸ ص ۴۳۱.

۲- ۱۹. . الإمام الصادق: القلب حرم الله، لا تسکن حرم الله غیر الله: بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۲۵.

۳- ۲۰. . إلهی، هب لی قلباً یدنیه منک شوقه... إلهی، أقمنی فی أهل ولایتک مقام من رجا الزیاده من محبتک. إلهی، وألهمنی ولهاً بذکرک إلی ذکرک... إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۸.

آن روزی که همه مرا فراموش کنند و هیچ اثری از من نباشد با من مهربان باش! (۱)

من که از همه جا دل کنده و به درِ خانه تو رو آورده ام، امیدوارم که درِ خانه ات را به رویم بگشایی، چرا که خود می دانی دل شکستن هنر نمی باشد. (۲)

اکنون که دلم را با عشق به خود زنده کرده ای، چگونه به عذابت گرفتارم خواهی نمود؟ (۳)

اگر چه به خاطر گناهانم از کاروان خوبان عقب مانده ام ولی به خوبی و مهربانی تو دل بسته ام که مرا در زمره بندگان خوب خود قرار دهی! (۴)

ص: ۲۱

۱- ۲۱. ارحمونی إذا انقطع معلوم عمری، ودرس ذکری وامتحنی أثری... منسیاً کمن نسی فی الأموات ممین کان قبلی...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۴۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۱.

۲- ۲۲. إلهی، أصبحت علی باب من أبواب منحك سائلاً، وعن التعرض لسواك بالمسأله عادلاً، وليس من جميل امتنانك ردّ سائلٍ ملهوفٍ ومضطربٍ لانتظار خيرك المؤلف...: جمال الأسبوع ص ۶۳، المزار لابن المشهدی ص ۱۵۱، بحار الأنوار ص ۱۷۲.

۳- ۲۳. إلهی، قلب حشوته من محبتك في دار الدنيا، كيف تطلع عليه نار محرقه في لظى...: المزار لابن المشهدی ص ۱۵۲، بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۴۵۱.

۴- ۲۴. إلهی، إن أقعدي الذنوب عن السابق مع الأبرار فقد أقامتني الثقة بك على مدارج الأخيار...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۱.

آن روز که سر از قبر بیرون آورم و خاک از سر و صورتم بریزد محتاج مهربانیت هستم.

از آنچه چشمم می بیند در هراس خواهم بود و اضطرابی بزرگ تمام وجودم را فرا خواهد گرفت!

آن روز غصه های من زیاد است، مبدا تو با قهر کردن با من بر غصه هایم بیفزایی!

برای آن روز سرمایه بزرگی اندوخته ام که همان امید به مهربانی تو است!

ای بی نیاز!

آیا تو تنها سرمایه مرا از من خواهی گرفت! (۱)

ص: ۲۲

۱- ۲۵. إلهی، ارحمنا غرباء إذا تَضَمَّنْتنا بطون لحدونا، وَغَمَّيت بِاللبن سقوف بيوتنا، وَأَضَجَعنا مساكين على الإيمان في قبورنا، وخلفنا فرادی فی أضيِّق المضاجع، وصرعتنا المنایا فی أعجب المصارع، وصرنا فی دار قوم كأنها مأهوله وهی منهم بلاقع. إلهی، إذا جئناك عراء حفاة مغبرة من ثرى الأجداث رؤسنا، وشاحبه من تراب الملاحيد وجوهنا، وخاشعة من أفراع القيامة أبصارنا، وذابله من شدة العطش شفاهنا، وجائعه لطول المقام بطوننا، وباديه هنالك للعيون سوآتنا، وموقرة من ثقل الأوزار ظهورنا، ومشغولين بما قد دهانا عن أهالينا وأولادنا، فلا تضعف المصائب علينا بإعراض وجهك الكريم عنا، وسلب عائدته ما مثله الرجاء منّا...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۳.

۱۷- خدای من!

مگر خودت در کتاب خویش نفرمودی:

ای بندگان من که بر خود ستم کرده اید،

از رحمت من ناامید نشوید که من تمام گناهان شما را می بخشم.

حال که من این سخن تو را شنیدم پس چگونه به بخشش تو امید نداشته باشم.

هر چه فکر می کنم می بینم که تو همواره به من خوبی و احسان کردی و همین مرا نوید می دهد که به من نگاه محبت داری!

و هر کس که تو به او این گونه نظر کنی دیگر چه کم دارد؟

از تو می خواهم مثل همیشه با من مهربان باشی.

مرا دوست داشته باشی و عشقت را در قلبم جای دهی!^(۱)

ص: ۲۳

۱- ۲۶. إلهی، إذا شهد لی الإیمان بتوحیدک، وانطلق لسانی بتمجیدک، ودلّنی القرآن علی فواضل جودک، فکیف لا یتهج رجائی بحسن موعودک. إلهی، تتابع إحسانک إلیّ یدلّنی علی حسن نظرک لی، فکیف یشقی امرء حسن له منک النظر...: المصباح ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۶، العدد القویه ص ۲۵.

اگر گناهان من به اندازه آسمان ها و زمین هم بشود هرگز از بخشش تو ناامید نخواهم شد و همواره در انتظار مهربانیت خواهم ماند.

تو بودی که یادم دادی تا تو را بخوانم پس اکنون که تو را می خوانم مرا ناامید مکن!

به عزت و بزرگیت قسم که تو را چنان دوست دارم که لذت این دوستی را در عمق وجودم احساس می کنم و هرگز باور نمی کنم که تو دوستان خود را دوست نداشته باشی!

در انتظار عفو تو می مانم و هرگز از رحمت تو ناامید نمی شوم.

که هیچ انتظاری را از این شیرین تر نمی یابم.

پس مناجات با خودت را روزیم کن تا بتوانم با یاد تو به آرامش برسم؛

و قلبم را با لذت عشق خود آبیاری کن. (۱)

ص: ۲۴

۱- ۲۷. . إلهی، لو طبقت ذنوبی ما بین السماء إلى الأرض، وخرقت النجوم، وبلغت أسفل الثرى، ما ردنى اليأس عن توقع غفرانك، ولا صرفنى القنوط عن انتظار رضوانك. إلهی، دعوتك بالدعاء الذى علمتنيه، فلا تحرمنى جزاءك الذى وعدتنيه، فمن النعمه أن هدیتنى لحسن دعائك، ومن تمامها أن توجب لى محمود جزائك. إلهی، وعزتك وجلالك، لقد أحبتك محبه استقرت حلوتها فى قلبى، وما تنعقد ضمائر موحديك على أنك تبغض محبيك، إلهی، أنتظر عفوكم كما ينتظره المذنبون، ولست أياس من رحمتك التى يتوقعها المحسنون...: المصباح ص ۳۷۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۸.

در خانه تو جایی است که همه به آن رو کرده اند و با هزاران امید و آرزو به سوی آمده اند.

بندگان به تو پناه آورده اند چرا که جز تو پناهگاهی نیست.

مگر ما خدایی به غیر تو داریم که به سوی او رو کنیم؟

مگر کسی هست که مایه امید ما باشد تا به او دل ببندیم؟

به عزت قسم که من در درگاه تو جز بیچارگی ندارم که عرضه کنم، پس به بیچارگی ام رحم کن!

به بزرگیت سوگند که هرگز از در خانه تو نمی روم و آنقدر بر در این خانه می مانم تا مرا ببخشی و به من نگاه محبت آمیز کنی.

من آن بخشش بزرگ تو را می خواهم!

من آن بزرگواری بی مثل و مانند تو را جستجو می کنم! (۱)

ص: ۲۵

۱- ۲۸. أنت الذی بفنائک حطت الرحال، وإلیک قُصدت الآمال... إلهی، بک لاذت القلوب؛ لأنک غایه کلّ محبّوب، وبک استجارت فرقاً من العیوب، وأنت الذی علمت فحلمت، ونظرت فرحمت، وخبرت وسترت، وغضبت فغفرت، فهل ملّال غیرک فیرجی، أم هل ربّ سواک فیخشی، أم هل معبود سواک فیدعی، أم هل قدم عند الشدائد إلاّ وهی إلیک تسعی، فوعزّ عزّک یا سرور الأرواح، ویا منتهی غایه الأفراح، إنی لا أملك غیر ذلّی ومسکنتی لدیک، وفقری وصدق توکلی علیک، فأنا الهارب منک إلیک، وأنا الطالب منک ما لا یخفی علیک، فإن عفوت فبفضلک، وإن عاقبت فبعدلک، وإن مننت فبجودک، وإن تجاوزت فبدوام خلودک. إلهی، بجلال کبریاک أقسمت، وبدوام خلود بقائک آلیت، إنی لا برحت مقيماً بیابک حتی تلواننی من سطوات عذابک، ولا أقنع بالصفح عن سطوات عذابک حتی أروح بجزیل ثوابک... بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۱۱.

گاه با خود می گویم چگونه تو را بخوانم و صدایت زخم حال آنکه نافرمانی تو را کرده ام!
اما به یاد می آورم که تو چقدر بخشنده و مهربانی، برای همین با دلی امیدوار تو را صدا می زخم.

گر چه گنهکارم اما قلبی دارم که با عشق تو آشنا است!

گناهانم را به یاد می آورم و از تو می خواهم مرا ببخشی در حالی که اشک در چشمانم نشسته است، شاید که قبولم کنی!

من همان کسی هستم که هرگز از تو ناامید نشوم!

آن قدر صدایت می زخم تا جواب مرا بدهی و مهربانی را بر من ارزانی داری! (۱)

ص: ۲۶

۱- ۲۹. إلهی، کیف أدعوك وقد عصيتك؟ وكيف لا أدعوك وقد عرفتك؟ حبك في قلبي وإن كنت عاصياً، مددت يداً بالذنوب مملوءه، وعيناً بالرجاء ممدوده، ودمعه بالآمال موصوله. إلهی، أنت ملك العطايا، وأنا أسير الخطايا، ومن كرم العظماء الرفق بالأسراء، وأنا أسير جرمی، مرتهن بعملی. إلهی، لئن طالبتنی بسریرتی لأطلبن منك عفوك... بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۱.

۲۱- خدای من!

نمی دانم به کدام عمل خود، دل خوش باشم؟

در روز قیامت، آن وقت که در حضورت قرار گیرم، چاره ای ندارم جز آنکه سر خود را پایین گیرم و فقط به رحمت تو امیدوار باشم!

چرا که تو خود به پیامبر فرمودی: «به بندگانم خبر ده که من بخشنده و مهربانم».

پس به همان رحمت تو، دل خوش دارم چرا که خوب می دانم رحمت تو بیش از غضب تو است و همین مرا بس است.

آیا تو مرا به حال خود رها می کنی، حال آنکه می دانی جز تو یآوری ندارم!

آیا روی خود را از من برمی گردانی، حال آنکه به روی مهربانت، دل خوش کرده ام؟(۱)

ص: ۲۷

۱ - ۳۰. إلهی، الویل لی ثمّ الویل لی إن أنا قدمت علیک وأنت ساخط علی، فمن ذا الذی یرضیک عَنّی، لیس لی حسنه سبقت لی فی طاعتک، أرفع بها إلیک رأسی، أو ینطق بها لسانی، لیس لی إلاّ الرجاء منک، فقد سبقت رحمتک غضبک، عفوک عفوک، فإنّک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل صلواتک علیه وعلى آله وسلامک: بَبْنِ عِبَادِی أَنّی أَنَا الْعُفُورُ الرَّحِيمُ...: الصحیفه السّجّادیه ص ۴۹۰، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۲.

من از تو حیا نکردم و نافرمانیت کردم، حریم تو را پاس نداشتم و تو را فراموش کردم!
اما چون بلایی به من رسید به فکر فرو رفتم که چگونه صدایت کنم، حال آن که در حضور تو گناه کرده ام.
اما کسی جز تو نمی توانست، مشکل مرا حل کند و من خدایی جز تو نداشتم.

پس صدایت زدم و تو جوابم را دادی و مشکلم را حل نمودی!

تو بیچارگی مرا دیدی، به من رحم نمودی و مرا فراموش نکردی!

این خوبی تو را فراموش نمی کنم!

ای خدای خوب من! (۱)

ص: ۲۸

۱- ۳۱. لا استحيينا منك وأنت ترانا، ولا رعينا حقَّ حرمتك أي ربّ، فبأى وجهٍ - عزّ وجهك - نلقاك، أو بأى لسانٍ نناجيك وقد نقضنا العهد بعد تو كيدها، وجعلناك علينا كفيلاً ثم دعوناك عند البليه ونحن مقتحمون في الخطيئه، فأجبت دعوتنا وكشفت كربتنا، ورحمت فقرنا وفاقتنا...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۹۶، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۵.

اگر تو بخشنده و مهربان نبودی من هم گناه نمی کردم!

مگر تو نبودی که گفتی:

«هر کس صدایم زند جوابش می دهم؛

هر کس به درِ خانه ام بیاید به او نظر می کنم».

اکنون به درِ خانه تو آمده ام و صدایت می زنم!

آیا به وعده خود وفا نمی کنی؟!

تو با خوبی، شهره عالم شده ای و من هم با بدی!

آه! من چقدر گناه تو کردم و تو چقدر در حق من خوبی کردی!

اکنون که شرمنده تو هستم، از تو می خواهم که مرا ببخشی و از گناهان پاکم کنی. (۱)

ص: ۲۹

۱- ۳۲. إلهی، لولا أنّ العفو من صفاتك، لما عصاك أهل معرفتك. إلهی، لولا أنّك بالعفو تجود لما عصيتك وإلى الذنب أعود... أنت الذي قلت: من الذي دعاني فلم ألبه، ومن الذي سألتني فلم أعطه، ومن الذي أقام ببابي فلم أجبه... ونعم ما فعلت من الكرم والإحسان. إلهی، أنت أغرقتني بالجد والكرم والعطايا، وأنا الذي أغرقت نفسي بالذنوب والجهالة والخطايا، وأنت مشهور بالإحسان، وأنا مشهور بالعصيان...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۷۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۹.

چون به یاد می آورم که تو مهربان و بخشنده هستی، غرق شادی می شوم!

اما چون به یاد آن می افتم که عذاب تو برای گنهکاران شدید است، غمناک می شوم.

من میان این غم و شادی گرفتار شده ام.

از تو می خواهم مرا از این غم برهانی، از عذاب خود نجات دهی، این شادی را استمرار بخشی و از مهر خویش روزیم کنی.

اگر من شایسته مهربانی و عفو تو نیستم ولی خوب می دانم که رحمت تو آن قدر زیاد است که گوشه ای از آن شامل من هم شود.

از تو می خواهم تا رحمت بی انتهای خود را شامل من هم بنمایی! و دل مرا با مهربانیت شاد سازی که سخت به مهربانی تو نیازمندم. (۱)

ص: ۳۰

۱- ۳۳. إلهی، إذا تلونا من صفاتك: شديد العقاب، أسفنا، وإذا تلونا منها: الغفور الرحيم، فرحنا، فحن بين أمرين، فلا سخطك تُؤننا، ولا- رحمتك تُؤيسنا. إلهی، إن قصرت مساعينا عن استحقاق نظرتك، فما قصرت رحمتك بنا عن دفاع نعمتك...: المصباح ص ۳۷۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۴.

تو عشق به خودت را در قلبم قرار دادی، مرا شیفته خود کردی و به من مهربانی های زیادی نمودی!

اما من به سوی دیدار تو نشتافتم، چرا که خود را به گناه آلوده کردم!

تو به من این همه مهربانی کردی اما من از تو فرار کردم!

من خود به پرونده اعمالم نظری کردم و گناهان زیادی در آن یافتم پس چگونه با این همه گناه به دیدارت بشتابم!

اما اگر تو از من راضی شوی و رحمت خود را بر من نازل کنی، پس خوشا به حال من! (۱)

تو همان خدایی هستی که خود را بخشنده و مهربان نام نهادی! اکنون من خواهان همان مهربانی تو هستم!

آیا مرا از آن محروم می کنی؟ (۲)

ص: ۳۱

۱- ۳۴. فنظرت فی عملی فرأیته ضعیفاً یا مولای، وحاسبت نفسی فلم أجدنی أقوم بشکر ما أنعمت علیّ، وعددت سیئاتی فأصبّتها تَسْتَرِقَ حسناتی، فكیف أطمع أن أنال جنتک بعملی، وأنا مرتهن بخطیئتی؟ لا کیف یا مولای إن لم تدارکنی منک برحمه تمنّ بها علیّ فی مننٍ قد سبقت منک لا أحصیها تختم لی بها کرامتک، فطوبی لمن رضیت عنه، وویل لمن سخطت علیه، فارض عنّی ولا تسخط علیّ یا مولای...: الصحیفه السجّادیه ج ۵۹۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۵.

۲- ۳۵. سمیت نفسک بالعفو...: الصحیفه السجّادیه ص ۷۸ دعاء الاستقاله من الذنوب .

تو همواره نعمت های خود را بر من نازل کردی و هر صبح و شام روزی مرا فرستادی!

تو از بس مهربان بودی، نگذاشتی من سختی بلا را ببینم و همه بلاها را از من دور کردی!

تو اسباب آرامش مرا در زندگی فراهم نمودی و من فراموش نمودم!

آن گاه تو هم کمی رهایم کردی و آن وقت بود که بلا آمد!

حالا فهمیدم که تو بودی که بلا را از من دور می کردی!

پس به یاد تو و مهربانی های تو افتادم!

تو را صدا زدم:

ای فریادرس! به فریادم برس! (۱)

ص: ۳۲

۱-۳۶. رَبِّ حَسْبِنْتَ خَلْقِي، وَعَظَّمْتَ عَافِيَتِي، وَوَسَّيْتَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَلَمْ تَزَلْ تَنْقِلْنِي مِنْ نِعْمَةٍ إِلَى كِرَامَةٍ، وَمِنْ كِرَامَةٍ إِلَى فَضْلٍ، تَجَدَّدَ لِي ذَلِكُ فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، لَا- أَعْرِفُ غَيْرَ مَا أَنَا فِيهِ، حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ ذَلِكُ وَاجِبٌ عَلَيَّكَ لِي، وَأَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِي أَنْ أَكُونَ فِي غَيْرِ مَرْتَبَتِي، لِأَنِّي لَمْ أَدْرُ مَا عَظِيمُ الْبَلَاءِ فَأَجِدُ لَدَّهُ الرِّخَاءَ، وَلَمْ يَذَلَّنِي الْفَقْرُ فَأَعْرِفُ فَضْلَ الْأَمْنِ، فَأَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ فِي غَفْلَةٍ مِمَّا فِيهِ غَيْرِي مَمَّنْ هُوَ دُونِي، فَكَفَرْتُ وَلَمْ أَشْكُرْ بِلَاءِكَ، وَلَمْ أَشْكُ أَنْ الذِّي أَنَا فِيهِ دَائِمٌ غَيْرِ زَائِلٍ عَنِّي، لَا أَحَدَّثُ نَفْسِي بِانْتِقَالِ عَافِيَةٍ وَتَحْوِيلِ فَقْرٍ، وَلَا خَوْفٍ وَلَا حَزَنٍ فِي عَاجِلِ دُنْيَايَ وَآجِلِ آخِرَتِي، فَيَحُولُ ذَلِكُ بَيْنِي وَبَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكُ لِي، مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ، فَسَهْوٌ وَلَهْوٌ، وَغَفْلَةٌ وَأَمْنٌ، وَأَشْرَتْ وَبَطَرْتُ، وَتَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ، وَنَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلِهِ الصَّحَّةِ وَبِأَنْوَاعِ السَّقْمِ وَالْأَذَى، وَأَقْبَلَ...: الدَّعَوَاتُ ص ۱۶۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۶.

از زیادی گناهانم متحیر شده ام و نمی دانم چه کنم!

گناهانم دیگر برای من پیش تو آبرویی نگذاشته اند!

با چه رویی با تو سخن بگویم؟

چگونه صدایت بزنم، حال آنکه چنین گناهکارم و چگونه صدایت نزنم در حالی که تو بخشنده و مهربانی؟

چگونه غمگین نباشم چرا که نافرمانی تو کردم و چگونه شاد نباشم چرا که تو خدای منی و کریم و بزرگواری!

اگر تو به من رحم نکنی، چه کسی بر من رحم خواهد نمود؟

آیا مهربان دیگری را می شناسی تا من به در خانه او بروم؟

به خودت قسم، در خانه دیگری را نمی شناسم تا به آنجا پناه ببرم.

تو فقط پناه من هستی! تو فقط امید من هستی! (۱)

ص: ۳۳

۱- ۳۷. إلهی، أسألك أن تعصمني حتى لا أعصيك، فإني قد بهتّ وتحيرت من كثرة الذنوب مع العصيان، ومن كثرة كرمك مع الاحسان، وقد كلت لسانی كثرة ذنوبی، وأذهبت عني ماء وجهی، فبأى وجه ألقاك وقد أخلق الذنوب وجهی، وبأى لسان أدعوك وقد أخرج المعاصی لسانی، وكيف أدعوك وأنا العاصی، وكيف لا أدعوك وأنت الكریم، وكيف أفرح وأنا العاصی، وكيف أحزن وأنت الكریم، وكيف أدعوك وأنا أنا، وكيف لا أدعوك وأنت أنت... بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۸.

دلم گرفته است و نمی دانم چه کنم؟

چقدر از گناهان خود توبه کنم و دوباره به گناه آلوده شوم؟

عمرم را در دوری از تو تباه نمودم و اکنون بار گناه بر دوشم سنگینی می کند.

بیچاره ای هستم که به تو پناه آورده ام و کسی را جز تو ندارم.

من همچنان منتظر بخشش تو می مانم و هرگز از رحمت ناامید نمی شوم.

من آن بنده گنهگارم که شرمنده روی تو گشتم.

نمی دانم آیا دیگر پیش تو آبرویی دارم یا نه. (۱)

ص: ۳۴

۱- ۳۸. . إلهی، ضاق صدري، ولست أدري بأیّ علاجٍ أدّوی ذنبي، فكم أتوب منها وكم أعود إليها، وكم عليها ليلي ونهاري، فحتّى متى يكون وقد أفنيت بها عمري. إلهی، طال حزني ورقّ عظمي، وبلي جسمي، وبقيت الذنوب على ظهري فأليک أشکو سيدي فقري وفاقتي، وضعف قلبي حيلتي... فكيف ينقطع رجائي بموعودك. إلهی، أنا الذي قتل نفسي بسيف العصيان، حتّى استوجبت منك القطيعه والحرمان، فالأمان الأمان، هل بقي لي عندك وجه الإحسان...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۰.

یادم نرفته است که تو توبه پدرم حضرت آدم (علیه السلام) را قبول کردی!

و گناه او را بخشیدی و او را از دوستان خود قرار دادی!

ای کسی که گناه پدرم را بخشیدی، گناه فرزند او را هم ببخش!

اکنون که شیطان وسوسه ام می کند و دشمن قسم خورده من است و تلاش می کند مرا از تو دور کند، تو مرا یاری کن که فقط با کمک تو می توانم از شر دشمنم نجات پیدا کنم.

تو کاری کن که همواره بندگیت در کامم شیرین باشد

و قلبم مملو از عشق تو باشد تا دیگر فریب شیطان را نخورم! (۱)

ص: ۳۵

۱- ۳۹. إلهی، عصاک آدم فغفرته، وعصاک خلق من ذرّيته، فیا من عفی عن الوالد معصيته، اعفِ عن الوُلْدِ العصاه لك من ذرّيته... إلهی، جعلت لی عدوًّا يدخل قلبی، ويحلّ محلّ الرأى والفكره منى، وأین الفرار إذا لم یکن منك عون علیه. إلهی، إنّ الشیطان فاجر خبیث، کثیر المکر شدید الخصومه، قديم العداوه، کیف ینجو من یكون معه فی دار وهو المحتال، إلاّ أنّی أجد کیده ضعيفاً، فإیّاك نعبد وإیّاك نستعین، وإیّاك نستحفظ، ولا حول ولا قوه إلاّ باللّٰه، یا کریم یا کریم یا کریم...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۸۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۴۱.

تو در قلبم یاد خود را الهام کردی، مرا به دعا کردن تشویق نمودی، دعوتم کردی تا صدایت بزخم و با تو سخن بگویم.

به درِ خانه ات آمده ام در حالی که جز زیبایی از تو انتظار ندارم!

آری، با هزاران امید به درِ خانه ات آمده ام و با تو خلوت کرده ام.

من با آرزویی بس بزرگ به سویت آمدم!

معصیت تو کردم اما امید دارم که مرا ببخشایی!

پس ناامیدم مکن که جز تو امیدی ندارم.

ای کسی که هرگز امیدواران به خودش را ناامید نمی کند!^(۱)

ص: ۳۶

۱- ۴۰. سیدی قد ذکر تک بالذکر الذی ألهمتیه، ووخدتک بالتوحید الذی أکرمتیه، ودعوتک بالدعاء الذی علّمتیه، فلا تحرمنی برحمتک الجزاء الذی وعدتیه، فمن النعمه لک علیّ أن هدیتنی بحسن دعائک، ومن إتمامها أن توجب لی محموده جزائک...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۵۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۷؛ سیدی، أیتک معترفاً لک بسوء فعلی، خاضعاً لک باستکانه ذلّی، راجياً منک جمیل ما عرّفنتیه من الفضل الذی عودتیه، فلا تصرف رجائی من فضلک خائباً: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۹.

مگر عفو و بخشش از ویژگی های تو نیست!

چگونه تو را صدا نزنم و به بخشش تو دل نبندم، حال آنکه از تو جز مهربانی ندیدم.

من همان بنده ای هستم که دل از امید به تو بر نکندم با این که گناهکارم!

خودت بگو، گناهانم زیادتر است یا عفو و بخشش تو؟

با آن بخشش های بزرگت، گناهان بزرگ مرا ببخش!

تو همه را به سوی مهربانی خود دعوت کردی!

من آمده ام تا آن مهربانی تو را جويا شوم.

آیا مرا از آن محروم می کنی؟ (۱)

ص: ۳۷

۱- ۴۱. إلهی، وكيف أدعوك وأتمنى الجنه مع أفعالي القبيحه، وكيف لا أدعوك وأتمنى الجنه مع أفعالك الحسنه الجميله. إلهی، أنا الذي أدعوك وإن عصيتك، ولا ينسى قلبی ذكرک. إلهی، أنا الذي أرجوك وإن عصيتك، ولا ينقطع رجائي بكثره عفوک يا مولای. إلهی، ذنوبی عظیمه، ولكن عفوک أعظم من ذنوبی. إلهی، بعفوک العظیم اغفر لی العظیمه، فإنه لا یغفر الذنوب العظیمه إلا الربّ العظیم...: الصحیفه السجّادیه ص ۴۷۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۹.

گناهان من هرگز نمی توانند از خوبی تو کم کنند!

از تو می خواهم آن گونه با من برخورد کنی که خود شایسته آن هستی زیرا می دانم که تو بخشنده و مهربانی. (۱)

اکنون که گناهانم زیاد است به دو چیز فکر می کنم:

اول اینکه تو چقدر از عذاب کردن من بی نیاز هستی!

دوم اینکه من چقدر به عفو و بخشش تو نیازمند هستم!

به خودت قسم که بخشش گناهان من بر تو بسیار آسان است،

ای کسی که گناهان بندگانت به تو ضرری نمی زند! (۲)

ص: ۳۸

۱- ۴۲. ثم نظر یمیناً و شمالاً بعد هذا الدعاء، ثم قال: أما تدرّون ما كان أمير المؤمنين ۷ يقول في سجده الشكر؟ قلنا: وما كان يقول؟ قال: كان يقول: يا من لا يزيدك إلحاح الملحّين إلاّ جوداً وكرماً، يا من له خزائن السماوات والأرض، يا من له خزائن ما دقّ وجلّ، لا- يمنعك إساءتي من إحسانك، إني أسألك أن تفعل بي ما أنت أهله، وأنت أهل الجود والكرم والعفو، يا الله يا الله، افعل بي ما أنت أهله، وأنت قادر على العقوبة، وقد استحققتها، لا حجة لي ولا عذر لي عندك، أبوء إليك بذنوبي كلّها، وأعترف بها كي تعفو عني... بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۸۸.

۲- ۴۳. أفكر في غناك عن عذابي، وفقرى إلى رحمتك يا مولاي، مع هوان ما طمعت فيه منك عليك، وعسره عندى ويسره عليك، وعظيم قدره عندى، وكبير خطره لى، وموقعه منى، مع جودك بجسيم الأمور، وصفحك عن الذنب الكبير، لا يتعاطمك يا سيدى ذنب أن تغفره...: الصحيفه السجّاديه ص ۵۹۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۵.

تو خود مرا به مهربان بودن دستور دادی،

آیا می شود، تو فراموش کنی با من مهربان باشی؟

اگر گرفتار طوفان ناامیدی شوم، تمام وجودم نابود می شود، اما در سایه مهربانیت، زنده می شوم!

پس نسیم مهربانیت را برای روح من بفرست تا بهاری شوم و دوباره زنده لطف تو گردم.

تو که اشک چشم مرا می بینی که به درگاہت فرو می ریزد!

چگونه باور کنم که اشک چشمم را بینی و باز دلم را بشکنی و جوابم را ندهی؟ (۱)

ص: ۳۹

۱- ۴۴. إلهی، أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورين، وأمرت بصله السؤل وأنت خير المسؤلين. إلهی، كيف ينقل بنا اليأس إلى الإمساك عمّا لهجنا بطلابه، وقد أدّرنا من تأملنا إياك أسبغ أثوابه. إلهی، إذا هزّت الرهبه أفنان مخافتنا، انقلعت من الأصول أشجارها، وإذا تنسّمت أرواح الرغبه منّا أغصان رجائنا، أينعت بتلقيح البشاره أثمارها... المصباح ص ۳۷۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۴.

اگر راه زندگی خویش را گم کردم و به بیراهه رفتم، اکنون به تو پناه می آورم که تو پناه من هستی!

اگر دیروز به سوی نافرمانی تو گام برداشتم، امروز با سخن گفتن با تو در راه خوشبختی گام برمی دارم!

اگر توشه ام برای پیمودن مسیری که مرا به تو می رساند، کم است اما امید به لطف تو دارم، چرا که هر کس به سوی تو بیاید در آغوش لطف خویش قرارش می دهی!^(۱)

پس بار دیگر به من مهربانی کن و مرا قبول کن!

ای مونس لحظه های تنهایی ام! و ای پناه قلب خسته ام!^(۲)

ص: ۴۰

۱- ۴۵. إلهی، إن أخطأتُ طريقَ النظرِ لِنَفْسِي بما فيه كرامتها، فقد أصبْتُ طريقَ الفزعِ إليك بما فيه سلامتها. إلهی، إن كانت نفسی استسعدتني متمرّدة علی ما یردِیها، فقد استسعدتها الآن بدعائك علی ما ینجیها... إلهی، إن أحجم بی قلّه الزاد فی المسیرِ إليك، فقد وصلته الآن بذخائر ما أعددتہ من فضل تعویلی علیک: المصباح ص ۳۷۰، بحار الأنوار ص ۱۰۲، دستور معالم الحکم ص ۱۶۷.

۲- ۴۶. وكان اللّٰهُ أنيسه في الوحشه، وصاحبه في الوحده: عدّه الداعي ص ۲۱۹.

۳۵- خدای من!

تو تمام لذت های دنیا را این گونه خلق کرده ای که چون به آنها برسیم از آنها دلزده می شوم.

اما فقط یک لذت را از این قانون استثنا کرده ای و آن هم لذت با تو بودن است!

هر بار که با تو مناجات می کنم، تو را بیشتر می خواهم، هیچ کس از با تو بودن سیر نمی شود.

چرا که زیبایی تو بی انتها است؛ خوبی و مهربانیت اندازه ندارد!

لذت دائمی یاد خود را به کام این بنده شرمنده و امیدوارت بچشان. (۱)

ص: ۴۱

۱- ۴۷. إلهی، وإنَّ كلَّ حلاوه منقطعه، وحلاوه الإيمان تزداد حلاوتها اتصلاً بك: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۶.

مگر تو نبودی که مرا از ناامیدی برحذر داشتی و فرمودی:

«ای بندگان گهنگارم! از رحمت من ناامید نشوید که خدا همه گناهان را می بخشد».(۱)

پس چگونه تصوّر کنم که مرا ناامید کنی؟

چرا جواب مرا نمی دهی؟

نکند که گناهانم مانع می شوند تا صدای من به تو برسد؟

اگر گناه نمی گذارد که دعایم مستجاب شود، خوب می دانم که هیچ چیز نمی تواند بین من و عفو تو فاصله بیاندازد.(۲)

ص: ۴۲

۱- ۴۸. ولولا- تعلقى باللائك، وتمسكى بالرجاء لما وعدت أمثالى من المسرفين، وأشباهى من الخاطئين بقولك: (قُلْ يَ- عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)... مفتاح الفلاح ص ۷۳، المصباح ص ۲۷۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۸۲، صحيفه الرضا ص ۱۰۸.

۲- ۴۹. فإن كان ذنوبى حالت بين دعائى وإجابتك، فلم يحل كرمك بينى وبين مغفرتك، لا تضلّ من هديت، ولا تدلّ من واليت، ولا يفتقر من أغنيت، ولا يسعد من أشقيت...: الصحيفه السّجّاديه ص ۴۶۱، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۹.

وقتی نافرمانی تو کردم و به گناه آلوده شدم به عفو تو امید داشتم، چرا که پیش از آن عفو و رحمت تو را دیده بودم.

چون من مهربانی تو را دیده بودم، جرأت کردم که گناه کنم، اگر از زود عصبانی شدنت هراس می داشتم، از گناه دوری می کردم!

بندگان همه فقیر و محتاج تو هستند ولی من از همه به تو محتاج تر هستم، چرا که گناهانم را کسی جز تو نمی بخشد!

اکنون چه کنم؟ و به کجا بروم؟

کیست که این بنده شرمنده را قبول کند جز خود تو؟

تو خدای من هستی و من به مهربانی تو دل خوش کرده ام!^(۱)

ص: ۴۳

۱- ۵۰. واثق بعد ذلك منك بالصفح الكريم، والعفو القديم، والرحمة الواسعة، فجزّأني على معصيتك ما أذقتني من رحمتك ووثوبى على محارمك، ما رأيت من عفوك، ولو خفت تعجيل نقيمتك لأخذت حذرى منك كما أخذته من غيرك ممن هو دونك ممن خفت سطوته، فاجتنبت ناحيته... عبادك جميعاً إليك فقراء، وأنا أفقرهم إليك، لذنبٍ تغفره، ولفقرٍ تجبره...: الصحيفة السجّادية ص ۵۹۴، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۴.

من کیستم که تو بخواهی بر من غضب کنی؟

من کیستم که تو مرا عذاب کنی؟

من در دستگاه با عظمت تو، ذره ای بیش نیستم ولی تو در اوج عظمت و جلالی!

تو چگونه با آن همه بزرگی و عظمت می خواهی یک ذره را عذاب کنی؟

تو به عبادت و بندگی من نیاز نداری اما من به مهربانی تو سخت نیازمندم.

اگر تو مرا تنها گذاری، کیست که مرا یاری کند؟

اگر تو مایه آرامش من نشوی، چه کسی می تواند این قلب آشفته را آرام کند؟^(۱)

ص: ۴۴

۱- ۵۱. من أنا یا سیدی فتقصّد قصدی بغضبٍ یدوم منک علیّ ترید به عذابی، ما أنا فی خلقک إلاّ بمنزله الذرّه فی ملکک العظیم، فهب لی نفسی بجدک و کرمک، فإنّک تجد منّی خلقاً ولا أجد منک وبک غنیّ عنّی، ولا غنی بی حتّی تلحقنی بهم فتصیرنی معهم، إنّک أنت العزیز الحکیم...: الصحیفه السّجّادیه ص ۵۹۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۶.

تو بزرگواری و بس کریم!

چون بزرگواران بخواهند عطایی کنند به کرم خود نگاه می کنند، نه به شایستگی دیگران!

من شایستگی مهربانی تو را ندارم اما به کرم تو چشم دوخته ام!

گر چه با گناهایی که انجام داده ام رویم سیاه است اما از تو می خواهم که هیچ گاه رویت را از من برنگردانی.

چرا که خود می دانی که بنده ات فقط به مهر تو دل بسته است!

بنده تو به خودت امید دارد و می داند که اگر به غیر تو دل خوش دارد، ناامید خواهد شد. (۱)

ص: ۴۵

۱- ۵۲. إلهی، أنا عبدك الضعيف المذنب، ومملوكك المنيب المغيث، فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك، وحجبه سهوه عن عفوك... بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۹.

اگر چه گاهی در بندگی تو کوتاهی می کنم ولی نافرمانی تو را دشمن می دارم. (۱)

اگر قرار باشد که تو فقط به بندگان خوبت نگاه کنی پس گنهکاران به کجا پناه ببرند و با که سخن بگویند! (۲)

مرا از کسانی قرار ده که صدایشان زدی و آنها نیز به سوی تو آمدند. (۳)

بار خدایا! چگونه از درِ خانه تو با ناامیدی برگردم، حال آن که آرزو داشتم که چون به سوی تو رو کنم با مهربانی مرا

پذیری. (۴)

ص: ۴۶

۱- ۵۳. إلهی، أُحِبُّ طاعتك وإن قصرت عنها، وأكره معصيتك وإن ركبته...: المصباح ص ۳۷۰، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۱.

۲- ۵۴. إلهی، إن كنت لا- ترحم إلا المجددين في طاعتك، فإلى من يفرغ المقصرون، وإن كنت لا تقبل إلا من المجتهدين، فإلى من يلتجئ المفرطون، وإن كنت لا- تكرم إلا- أهل الإحسان، فكيف يصنع المسيؤون، وإن كان لا- يفوز يوم الحشر إلا المتقون، فبمن يستغيث المذنبون...: المصباح ص ۳۷۱، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۳.

۳- ۵۵. إلهی، واجعلني ممن ناديته فأجابك، ولا-حظته فصعق بجلالك، فناجيته سرّاً وعمل لك جهراً. إلهی، لم أسلط على حسن ظني قنوط الإياس، ولا انقطع رجائي من جميل كرمك...: إقبال الأعمال ص ۲۹۹، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۹.

۴- ۵۶. إلهی، كيف أنقلب من عندك بالخيبه محروماً، وقد كان حسن ظني بجدك أن تقلبني بالنجاه مرحوماً...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۵۰، إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۸.

۴۱- خدای من!

به این فکر بودم که من گدای در خانه تو نیستم!

چرا که گدایان چون از کسی جواب رد بشنوند، دل کنده و به جای دیگر می روند و امید دارند کس دیگری به آنها توجه کند.

اما تو خود می دانی من جای دیگری ندارم که بروم.

کجا بروم وقتی جز تو پناهی ندارم! (۱)

اگر در جهنم مرا جای دهی در آن جا پرده از راز درون خود برمی دارم و به همه می گویم که تو را دوست دارم. (۲)

ص: ۴۷

۱- ۵۷. إلهی، لیس تشبه مسألتي مسأله السائلین؛ لأنّ السائل إذا مُنع امتنع عن السؤال، وأنا لا غناء بي عمّا سألتك على كلّ حال. إلهی، ارض عني، فإن لم ترض عني فاعف عني، فقد يعفو السيد عن عبده وهو عنه غير راضٍ...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۲۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۵.

۲- ۵۸. وإن أدخلتني النار أعلمت أهلها أنّي أحبّك...: إقبال الأعمال ج ۳ ص ۹۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۸؛ ولئن أدخلتني النار لأخبرن أهل النار بحبي لك...: الصحيفه السجّاديه ص ۲۲۲، مصباح المتهدّج ص ۵۹۶، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۹۲.

۴۲- خدای من!

یک آرزو به دل دارم که عمری است آن را از تو می خواهم؛

هر روز و هر شب آن را از تو طلب می کنم؛

مرا به آرزویی که عمرم را به پای آن گذاشته ام برسان که آن آرزو همان رضایت و بخشش تو است. (۱)

به من نعمت های زیادی داده ای که من نمی توانم آنها را بشمارم.

اکنون از تو می خواهم تا لطف خود را بر من کامل کنی و بخشش خودت را به من کرم کنی تا نعمت تو بر من تمام و کمال

باشد. (۲)

ص: ۴۸

۱- ۵۹. إلهی، لا تردّنی فی حاجهٍ قد أفنیت عمری فی طلبها منک، وهی المغفره...: المصباح ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۶.

۲- ۶۰. إلهی، ما وصفت من بلاءٍ ابتلیتیه، أو إحسانٍ أولیتیه، فکلّ ذلک بمنّیک فعلته، وعفوک تمام ذلک إن أتممته...: المصباح ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۶.

اگر می بینی با این همه گناه و معصیت، به عفو تو امید دارم برای این است که بزرگواری تو را به چشم خود دیده ام.

وقتی با خودم خلوت می کنم با خود می گویم که تو مرا می بخشی و به خود مژده عفو تو را می دهم، پس به بزرگواریت امیدم را ناامید مکن! (۱)

من گدای در خانه توام و جای دیگر نمی روم.

خوب می دانم که تا به حال کسی را از در خانه خود ناامید نکرده ای!

تو بودی که مرا با خودت آشنا ساختی و اجازه ام دادی تا با تو سخن بگویم.

اگر تو مرا با عفو و بخشش خود آشنا نمی کردی، من هم امیدوار نمی شدم، اکنون که خود، امیدوارم کرده ای، آیا دلم را می شکنی؟ (۲)

ص: ۴۹

۱- ۶۱. لولا- ما عرفت من کرمک، ما رجوت ثوابک، وأنت أولى الأ-کرمین بتحقیق أمل الآملین، وأرحم من استرحم فی تجاوزه عن المذنبین. إلهی، نفسی تمیننی بآنک تغفر لی، فأکرم بها أمنيہ بشرت بعفوک، فصدق بکرمک مبشرات تمیها، وهب لی بجدک مدبرات تجنیها... المصباح ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۶.

۲- ۶۲. إلهی، أصبحت علی باب من أبواب منحك سائلاً، وعن التعرض لسواک بالمسأله عادلاً، وليس من جمیل امتنانک ردّ سائل ملهوف ومضطّر لانتظار خیرک المألوف... لو لم تطلق لسانی بدعائک ما دعوت، ولو لم تعرّفنی حلاوه معرفتک ما عرفت، ولو لم تعرّفنی حقیقه معرفتک ما عرفت... المزار لابن المشهدی ص ۱۵۱، جمال الأسبوع ص ۶۲، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۰.

۴۴- خدای من!

با این همه مهربانی‌ها که از تو سراغ دارم اگر از تو طلب عفو نکنم، خطا کرده‌ام، چرا که تو بخشنده و مهربانی و گناهان بندگان خود را می‌بخشی!

تو از من بی‌نیازی و به من این همه مهربانی می‌کنی و من این قدر به تو نیازمندم و نافرمانیت می‌کنم!

از تو می‌خواهم، آرامش قلبم را در گرو یاد خودت قرار دهی و مرا یاری کنی تا از گناه فاصله بگیرم.

از تو می‌خواهم، تمام وجودم را متوجه خود بنمایی و در وجود من اشتیاق به کارهای زیبا را قرار دهی و همچون بندگان خوبت، همواره از من راضی و خشنود باشی! (۱)

ص: ۵۰

۱- ۶۳. ترکی للاستغفار مع سعه رحمتك عجز. إلهی، كم تتجّب إلیّ بالنعم وأنت عنّی غنیّ، وأتبغض إلیك بالمعاصی وأنا إلیك محتاج، فیا من إذا وعد وفا، وإذا تواعد عفا...: الصحیفه السجّادیه ص ۸۴، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۲.

هرگز بنده خدایی غیر از تو نبوده ام، که اکنون به درِ خانه او بروم!

کدامین مولا به غیر تو به من مهربانی کرده است که اکنون از او بخواهم بار دیگر مهربانی کند؟

من جز تو مولا و آقایی ندارم!

من خدایی جز تو نمی شناسم!

اگر تو جواب مرا ندهی من چه کنم؟ کجا بروم؟

با هزاران امید به درِ خانه تو رو کرده ام!

می دانم که هرگز امید کسی را که جز تو کسی را ندارد، ناامید نمی کنی؟^(۱)

ص: ۵۱

۱- ۶۴. ما كنتُ عبداً لغيرك فيكون غيرك لي مولى، ولا كنتُ مرزوقاً من سواك فأستدئمه عاده الحسنی، وما قصدت باباً إلا بابك، فلا تطردني من بابك الأذنی...: الصحيفه السجّاديه ص ۱۸۶، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۱.

وقتی که تو را دارم، همه چیز دارم ولی بدون تو هیچ ندارم! (۱)

ممنون توام که با یاد خودت آرامش را به من عطا کردی!

به راستی که زندگی برای کسی که مونسى چون تو نداشته باشد، چقدر سخت می گذرد!

تو هستی که در مسیر زندگی راهنمای من هستی، دستم می گیری و به سوی خود هدایت می کنی. (۲)

به اعمال خود نگاه کردم و آن را بسیار ناچیز دیدم؛

به خودم نظر کردم، دیدم که ضعیف تر از آنم که بتوانم شکر یکی از هزاران نعمت تو را بجای آورم.

به ناچیزی اعمالم نگاه مکن، بزرگی مقام خود را ببین. (۳)

ص: ۵۲

۱- ۶۵. یا من هو عوض من کلّ شیء، و لیس منه عوض... بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۵.

۲- ۶۶. إلهی، ما أضیق الطریق علی من لم تکن أنت أنیسه. إلهی، إن طالبتنی بذنوبی لأطالبنک بعفوک، ولئن طالبتنی بسریرتی لأطالبنک بکرمک... المزار لابن المشهدی ص ۱۵۰، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۳؛ ما أضیق الطریق علی من لم یکن الحقّ تعالی دلیله... شرح نهج البلاغه ج ۲۰ ص ۳۴۷.

۳- ۶۷. أنا الذی لا- أقطع منک رجائی، ولا أخیب منک دعائی. إلهی، نظرتُ إلی عملی فوجدته ضعیفاً، وحاسبتُ نفسی فوجدتها لا تقوی علی شکر نعمه واحده أنعمتها علی... الصحیفه السجادیه ص ۴۸۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۱.

تاکنون کدامین امیدوار را ناامید کرده ای که من ناامید شوم؟

کدامین گدای در خانه ات را بی جواب گذاشته ای که من از تو دل برکنم؟

تو خود مرا به دعا کردن، دعوت کرده ای و وعده ام داده ای که صدایم را بشنوی و دعایم را اجابت کنی! (۱)

اگر مرا به خودم واگذاری هلاک می شوم.

و شیطان و هوای نفس بیچاره ام می کنند.

اگر مرا به در خانه غیر خود بفرستی، باعث خواری من شده ای، چرا که فقط گدایی در خانه تو است که عزت می آورد و افتخار! (۲)

ص: ۵۳

۱- ۶۸. إلهی، متی خاب فی غنائک آمل، وانصرف بالردّ عنک سائل، أم متی دُعیت فلم تجب، أم استُوهِبت فلم تهب، یا من أمر بالدعاء، وتكفل بالوفاء، لا تحرمنی رضوانک... بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۱۲.

۲- ۶۹. إلهی وسیدی ومولای، إن رددتني إلى نفسي أهلكتني. إلهی، وسیدی ومولای إن رددتني إلى سؤل غيرك أذلتني. إلهی وسیدی ومولای، أوبقتني ذنوبي وأنت أولى من عفا عني...: الصحيفه السجّاديه ص ۴۹۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۲۲.

موقعی که غصه ندارم و ایام به کامم است، تو را فراموش می کنم و هرگاه که برایم مشکل پیش آمد و همه ناامیدم کردند به سوی تو می آیم.

اما از تو می خواهم که کاری کنی همیشه و در همه حال با تو باشم.

در روزهای خوشی ام نیز همنشین یاد تو باشم. (۱)

خودم خوب می دانم که شایسته نیستم، حتی صدایم را بشنوی چه رسد که جوابم را بدهی.

اما تو در قرآن فرمودی که مرا بخوانید و وعده فرمودی که جواب می دهی.

اکنون تو را می خوانم و صدایت می زنم، پس تو هم به وعده ات وفا کن. (۲)

ص: ۵۴

۱- ۷۰. ولا تجعلني ممن يبطره الرخاء ويصرعه البلاء، فلا يدعوك إلا عند حلول نازله، ولا يذكرك إلا عند وقوع جائحه فيصرع لك خده، وترفع بالمسأله إليك يده...: الصحيفة السجادية ص ۴۸۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۰.

۲- ۷۱. فسألتك مسأله من لا يستوجب أن تسمع له دعوه؛ لعظيم ما كنت فيه من الغفله، وطلبت طلبه من لا يستحق نجاح الطلبه؛ للذي كنت فيه من اللهو والفتره، وتضرعت تضرع من لا يستوجب الرحمه؛ لما كنت فيه من الزهو والاستطاله... ووعدتني منك وعداً حسناً أن أدعوك فتستجيب لي، فأنا أدعوك كما أمرتني، فاستجب لي كما وعدتني، وزدني من نعمتك وعافيتك وكلاءتك وسترک...: الدعوات ص ۱۷۶، الصحيفة السجادية ص ۸۰، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۳۶.

وقتی به خودم نظر می‌کنم، شرمنده می‌شوم چون نافرمانی تو کرده ام اما چون به تو فکر می‌کنم، شاد می‌شوم، چرا که از تو جز زیبایی و مهربانی ندیده‌ام.

دیدم که من نافرمانیت می‌کنم اما باز هم به من مهربانی‌ها کردی و همواره روزی و نعمت خود را بر من ارزانی داشتی.

من تو را فراموش کرده بودم اما تو همچنان به من لطف داشتی.

گناهم را پرده پوشی کردی و مردم را از بدیم آگاه نکردی.

به خودت قسم که تو بهترین مولا هستی و من بدترین بنده! (۱)

ص: ۵۵

۵۰- خدای من!

ای کسی که از همه به من مهربان تری!

ای کسی که در تنهایی هایم به تو پناه می آورم (۱)

اگر قرار باشد که تو فقط جواب بندگان خوبت را بدهی پس گنهکاران چه کنند؟ به در خانه چه کسی بروند؟ مگر آنها خدایی جز تو دارند؟

مگر تو خودت دستور ندادی که ما به یکدیگر مهربانی کنیم پس چه کسی در مهربانی کردن شایسته تر است؟ (۲)

به من نگاه کن و رویت را از من برمگردان

که تو خود می دانی که من به مهربانی تو نیازمندم! (۳)

ص: ۵۶

۱- ۷۳. یا خیراً من أبی وأُمّی، ومن الناس کلّهم أجمعین... یا خیر من خلوت به فی وحدتی...: الصحیفه السجّادیه ص ۶۸، بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۴۳۶.

۲- ۷۴. إلهی، إن كنت لا- ترحم إلاّ المجدّین فی طاعتک، فإلی من یفزع المقصّرون؟ وإن كنت لا تقبل إلاّ من المجتهدین، فإلی من یلتجئ المفرطون؟ سیّدی أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورین، وحضضت علی إعطاء السائلین وأنت خیر المسؤلین، وندبت إلی عتیق الرقاب وأنت خیر المعتقین...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۶۵.

۳- ۷۵. اقبل بوجهک الکریم إلیّ، ولا تصرفه عنّی: الأمالی للمفید ص ۲۴۳، بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۱۸۳.

۵۱- خدای من!

در فکر آن بودم که چه چیزی را در درگاه تو واسطه و شفیع خود قرار دهم تا تو قبولم کنی.

ناگهان به یاد آن افتادم که عشق تو به سینه دارم پس همان را واسطه بین خود و تو قرار دادم. (۱)

بزرگی تو بیش از این است که بخواهی مرا عذاب کنی. (۲)

ای کسی که گناهان را می بخشی و توبه بندگان را قبول می کنی!

کجاست آن مهربانی های زیاد تو؟ (۳)

ای روشنی چشم من!

می دانم هر کس که تو را دوست بدارد، دوستش می داری. (۴)

ص: ۵۷

۱- ۷۶. وحبی لك شفيعي إليك، وأنا واثق من دليلى بدلائتك، وساكن من شفيعى إلى شفاعتك... مصباح المتهجد ص ۵۸۳، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۵۹، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۳.

۲- ۷۷. فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجَلُّ عَنْ مَجَازَاتِ الْمَذْنِبِينَ... مصباح المتهجد ص ۵۸۴، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۴.

۳- ۷۸. أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ؟ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ؟ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ... مصباح المتهجد ص ۵۸۵، المصباح ص ۵۹۱، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۴.

۴- ۷۹. يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْهِ، وَيَا قَرَّةَ عَيْنٍ مِنْ لَازِئِهِ وَانْقَطَعَ إِلَيْهِ... مصباح المتهجد ص ۵۸۵، بحار الأنوار ج ۹۴ ص ۳۳۸.

۵۲- خدای من!

من آن کسی هستم که گناهان بزرگی انجام داد؛

من از تو حیا نکردم؛

شیطان فریبم داد و من نافرمانی تو را نمودم؛^(۱)

اکنون سخت شرمنده تو هستم و تو آن کسی هستی که همواره به من خوبی کردی و گناهم را بخشیدی.

آرزوهای مرا برآورده ساختی و دعایم را مستجاب کردی؛

نعمت های فراوان به من دادی و مرا پیش دیگران عزیز کردی و بلاها را از من دور ساختی و همواره یاورم بودی.^(۲)

ص: ۵۸

۱- ۸۰. أنا صاحب الدواهی العظمی، أنا الذی لم استحیک فی الخلاء... أنا الذی علی سیده اجتری...: إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۶۵، المصباح ص ۵۹۴، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۷.

۲- ۸۱. یا من أقال عثرتی، ونفس کربتی، وأجاب دعوتی، وستر عورتی وغفر ذنوبی...: إقبال الأعمال ج ۲ ص ۸۲، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۲۲۱.

بر قلبم الهام شده است که تو خیلی آقا و بزرگواری!

دیگر فهمیده ام که رحمت تو بسیار زیاد است.

برای همین هرگز از درِ خانه تو نمی روم!

آن قدر درِ خانه تو را می زنم؛

آن قدر صدایت می کنم تا دلت به رحم آید، چرا که جای دیگری را نمی شناسم که به آن جا پناه ببرم!

فقط و فقط درِ این خانه را می شناسم.

فهمیده ام که هیچ کس از درِ این خانه ناامید برنگشته است.

به مهربانی تو دل بسته ام و منتظر می مانم تا نگاهم کنی!^(۱)

ص: ۵۹

۱- ۸۲. فوعزتك لو انتهرتنی ما برحت من بابك، ولا كففت عن تملكك؛ لما ألهم قلبي يا سيدي من المعرفة بكرمك وسعه رحمتك... مصباح المتهجد ص ۵۹۰، المصباح ص ۵۹۵، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۸.

۵۴- خدای من!

با یاد تو، این دل من زنده است و با سخن گفتن با تو می توانم ترس و وحشت را از خود دور کنم.

ای مولای من! ای امید من! و ای نهایت آرزوی من!

می دانم که تو مهربان بودن را بر خود لازم کرده ای، پس به آن مهربانیت، تو را قسم می دهم، گناهم را ببخش و توبه ام را بپذیر.

کاری کن که هرگز تو را از یاد نبرم!

قلب مرا خلوتگاه محبت خود ساز و وجود مرا با یاد خود بار دیگر زنده کن.

ای بهار دل من! (۱)

ص: ۶۰

۱- ۸۳. مولای، بذکرک عاش قلبی، وبمناجتک برّدت ألم الخوف عنّی، فیا مولای ویا مؤمّلی ویا منتهی سؤلی... فإِنَّمَا أَسْأَلُكَ
لقديم الرجاء لك، وعظیم الطمع فيك الذی أوجبه علی نفسک من الرأفه والرحمه... مصباح المتهجد ص ۵۹۲، بحار الأنوار
ج ۹۵ ص ۸۹.

چقدر توبه کردم و دوباره گناه کردم!

اکنون از آن توبه های خود توبه می کنم. (۱)

اگر تو نگاهم نکنی، من کجا بروم؟

اگر تو رحمم نکنی، چه کسی را دارم که به من رحم کند؟

اگر تو مرا ناامیدم کنی به چه کسی دل خوش کنم؟

با آن که گناهانم زیاد است اما فقط به عفو تو اندیشه دارم.

می دانم، خواهان چیزی هستم که لیاقت آن را ندارم و این را هم می دانم که تو اهل بخشش و مهربانی هستی! (۲)

ص: ۶۱

-
- ۱- ۸۴. اللهم اني استغفرك لما تبت إليك منه ثم عدت فيه... مصباح المتهجد ص ۲۱۹، مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۲۸۱، مكارم الأخلاق ص ۳۰۳، الدرر الواقيه ص ۲۴۸، جامع أحاديث الشيعة ج ۷ ص ۳۷۴، كنز العمال ج ۲ ص ۷۰۱.
- ۲- ۸۵. سيدي، بمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي، وإلى من أفرع إن فقدت عنايتك في ضجعتي... سيدي من لي ومن يرحمني إن لم ترحمني... فإن كثره ذنوبي لا أرجو لها إلا عفوك، سيدي أنا أسألك ما لا أستحق، وأنت أهل التقوى وأهل المغفرة... مصباح المتهجد ص ۵۹۳، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۷۰، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۹۰.

۵۶- خدای من!

آرزویی دارم که فقط تو می توانی آن را برآورده کنی.

حاجتی دارم که فقط تو می توانی آن را به من بدهی!^(۱)

به عزت قسم اگر مرا از درِ خانه ات برانی، جای دیگری نمی روم.

چگونه باور کنم که تو امیدم را ناامید می کنی!

من به تو امید زیادی دارم!

آری، نافرمانی تو کردم و اکنون امید دارم که مرا ببخشی!

چرا که من تو را به بزرگواری و آقایی می شناسم.^(۲)

ص: ۶۲

-
- ۱- ۸۶. اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا يَفْرَجُهُ غَيْرُكَ، وَلرَحْمِهِ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ...: مصباح المتهجد ص ۷۱، فلاح السائل ص ۱۹۶، بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۱۸۲.
- ۲- ۸۷. فوعزتک یا سیدی، لو انتهرتنی ما برحت من بابک... إِنَّ لَنَا فِیْكَ رَجَاءً عَظِیماً، عَصِیْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَیْنَا...: إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۶۱، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۸۵.

از وقتی که تو را شناختم، تو را به مهربانی و زیبایی شناختم.

آری، تو به بخشیدن من عادت کرده ای.

پس بار دیگر بزرگواری کن و گناهم را ببخش! (۱)

تو چقدر با نعمت هایت با من مهربانی می کنی با این که از من بی نیازی! و من چقدر نافرمانی تو را می کنم، حال آن که سخت به تو محتاجم! (۲)

تا به حال کدامین امیدوار را ناامید کرده ای تا من ناامید شوم؟

کدام گدا از در خانه ات، دست خالی برگشته است که من نفر دوّم باشم؟

تو وعده کرده ای که دعای دعاکننده را مستجاب کنی و باور دارم به وعده ات وفا می کنی! (۳)

ص: ۶۳

۱- ۸۸. إلهی، کیف آیس من حسن نظرك لی بعد مماتی وأنت لم تولنی إلاّ الجمیل فی حیاتی...: إقبال الأعمال ج ۳ ص ۲۹۶، بحار الأنوار ج ۹۲ ص ۲۴۲.

۲- ۸۹. فكم تتجّب إلیّ بالنعمة مع غناك عنی، وأتبغض إلیك بالمعاصی مع فقری إلیك...: مصباح المتهجد ص ۵۶۶، تهذیب الأحكام ج ۳ ص ۹۰، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۱۳۳.

۳- ۹۰. متی خاب فی فنائك أملّ، أم متی انصرف بالردّ عنك سائلٌ. إلهی، ما دعاك من لم تجبه؛ لأنك قلت: ادعونی استجب لكم، وأنت لا تخلف الميعاد...: بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۱۲.

به چه کسی پناه ببرم اگر تو پناهم ندهی؟

به دنبال عفو چه کسی بروم اگر تو مرا نبخشی؟

به که دل ببندم اگر تو دلم را بشکنی؟

به که امیدوار گردم اگر تو ناامیدم کنی؟ (۱)

از همه جا ناامید شده و به درگاه تو رو کرده ام.

از تو می خواهم تو دیگر ناامیدم نکنی. (۲)

توبه ای روزیم کن که پس از آن شایسته دوستی تو گردم و در زمره بندگان خوب تو قرار گیرم. (۳)

ص: ۶۴

-
- ۱- ۹۱. سیدی عافیه من أرجو إن لم أرج عافیتک، وعفو من أرجو إن لم أرج عفوک، ورحمه من أرجو إن لم أرج رحمتک، ومغفره من أرجو إذا لم أرج مغفرتک... الصحیفه السجادیه ص ۳۳۵، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۲۳۷.
- ۲- ۹۲. أنت أنت انقطع الرجاء إلاّ- منک، وخابت الآمال إلاّ- فیک، فلا- تقطع رجائی یا مولای... مفتاح الفلاح ص ۲۰۸، الصحیفه السجادیه ص ۳۴۷، وسائل الشیعه ج ۸ ص ۱۲۷، بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۱۹۰.
- ۳- ۹۳. وارزقنی توبه نصوحاً أستوجب بها محبتک: إقبال الأعمال ج ۲ ص ۲۹۷، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۳۱۴.

از دانشی که برایم فایده نداشته باشد و از دعایی که مستجاب نشود به تو پناه می برم!^(۱)

من از شرّ نفس خویش به تو پناه می برم!

بار خدایا! مرا لحظه ای و کمتر از لحظه ای به خود وامگذار.

چرا که اگر لطف تو یک لحظه از من فاصله گیرد دیگر روی سعادت را نخواهم دید.

ای کسی که من همواره در سایه لطف تو بوده ام!

باز هم، لطف و مهربانی خویش را از من دریغ مدار که من به مهربانی تو نیازمندم.^(۲)

ص: ۶۵

۱- ۹۴. اللهم إني أعوذ بك من علم لا ينفع، ومن دعاء لا يُسمع: مسند أحمد ج ۲ ص ۱۶۷، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۹۲، سنن أبي داود ج ۱ ص ۳۴۵، سنن النسائي ج ۸ ص ۲۶۳، المستدرک ج ۱ ص ۱۰۴، عون المعبود ج ۱۲ ص ۲۰۷، السنن الكبرى ج ۴ ص ۴۴۵، مسند أبي يعلى ج ۱۱ ص ۴۱۱، المعجم الأوسط ج ۱ ص ۲۰۶، المعجم الكبير ج ۱۱ ص ۴۴، مسند الشاميين ج ۴ ص ۳۰۳، تهذيب الكمال ج ۱۴ ص ۱۲۵، ميزان الاعتدال ج ۳ ص ۲۰۸.

۲- ۹۵. لا تكلني إلى نفسي طرفه عين...: الكافي ج ۷ ص ۲، دعائم الإسلام ج ۲ ص ۳۴۶، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۸۸، تفسير القمي ج ۲ ص ۵۶، تفسير نور الثقلين ج ۳ ص ۱۹۹، مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۱۸۱، الجامع الصغير ج ۱ ص ۲۲۰، كنز العمال ج ۲ ص ۱۳۹، تفسير الثعالبي ج ۳ ص ۴۸۸، تفسير الألوسي ج ۱۵ ص ۱۲۹.

۶۰- خدای من!

با تمام وجود به تو روی آورده ام و از مردمی که نیازمند عطای تو هستند روی گردانده ام، چرا که هر کس از غیر تو طلب کرد، ناامید شد.

اکنون به سوی تو آمده ام و به عطای تو دل بسته ام. (۱)

چگونه می شود کسی را که فقط امیدش به تو است، ناامید کنی!

ای کسی که هنوز من تو را نمی شناختم و تو با من مهربانی ها نمودی!

یادم نمی رود که چه بسیار وقت ها من دعا نکرده بودم که تو حاجتم را دادی!

اکنون که تو را می خوانم، چگونه می شود دعایم را بی پاسخ گذاری! (۲)

ص: ۶۶

-
- ۱- ۹۶. اللهم إني أخلصت بانقطاعي إليك، وأقبلت بكلي عليك، وصرفت وجهي عمّن يحتاج إلي رفدك، وقلبت مسألتي عمّن لم يستغن عن فضلك...: الصحيفة السجادية ص ۱۴۴، تفسير نور الثقلين ج ۵ ص ۱۳۳.
- ۲- ۹۷. يا من يعطي من سأله تحنناً منه ورحمه، وبيتدي بالخير من لم يسأله تفضلاً منه وكرماً...: مصباح المتهجد ص ۵۹۸، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۷۷، بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۹۵.

این جایگاه کسی است که شیطان او را فریب داده است و گنهکار است.

اکنون با دلی امیدوار و رویی شرمسار به سوی تو آمده ام و در مقابل عظمت تو ایستاده ام.

چشم خود به زمین دوخته ام، چرا که شرمسار توام.

تو خدایی هستی که بخشش گناهان در نظرت بزرگ نمی نماید.

پس ببخش گناه کسی را که گناهِش به تو ضرر نمی زند!

که تو بخشنده و مهربانی! (۱)

ص: ۶۷

۱- ۹۸. هذا مقام من تداولته أيدي الذنوب، واستحوذ عيله الشيطان، فقصر عما أمرت به تفریطاً... فأقبل نحوك مؤملاً لك مستحيماً منك...: الصحيفة السجادية ص ۱۵۲.

۶۲- خدای من!

تو را می خوانم، چرا که خود مرا به دعا کردن فرا خواندی.

تو خود در قرآن فرمودی که توبه کنندگان را می پذیری!

می دانم که تو توبه کنندگان را دوست داری و آنان را به سوی خود دعوت کردی، پس توبه ام را قبول کن و از گناهانم درگذر!

مرا دوست داشته باش که من محتاج مهربانی توام!

این توبه مرا به گونه ای قرار ده که دیگر بعد از آن توبه نکنم؛

توبه ای که بعد از آن دیگر هرگز گردِ گناه نگردم!^(۱)

ص: ۶۸

۱- ۹۹. وقد قلت يا إلهي في محكم كتابك أنك تقبل التوبة عن عبادك، وتعفو عن السيئات، وتحبّ التّوابين، فأقبل توبتي كما وعدت، واعف عن سيئاتي كما ضمننت...: الصحيفه السّجّاديه ص ۱۵۳.

اگر پشیمانی به درگاه تو، توبه حساب می شود، من از همه پشیمان ترم؛

اگر استغفار باعث می شود تا از گناهانم درگذری من همواره استغفار می کنم؛

اگر دل شکسته به درگاهت خریدار دارد، بین که اشک چگونه قلبم را شکسته است!

تو مرا به توبه کردن، امر کردی و قول دادی که توبه مرا قبول کنی؛

پس توبه مرا قبول کن و هرگز از رحمت ناامیدم مکن

که تو بخشنده و مهربانی! (۱)

ص: ۶۹

۱- ۱۰۰. إن یکن الندم توبه إلیک، فأنا أندم النادمین... إن یکن الاستغفار حطه للذنوب، فإتی لک من المستغفرین، اللّهم فکما أمرت بالتوبه وضمنت القبول وحثت علی الدعاء ووعدت الإجابہ... الصحیفه السجادیه ص ۱۶۵.

۶۴- خدای من!

تو بودی که دری به سوی بخشش خود باز کردی و آن را در توبه نام نهادی و همگان را به سوی آن دعوت کردی تا رحمت خویش بر آنان نازل کنی!

تو خود فرمودی که مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم!

ای کسی که بندگان خود را غرق عطا و بخشش خویش نموده ای!

پس تو را می خوانم و از تو هیچ نمی خواهم جز این که مرا یاد کنی!

چرا که یاد تو از من بالاتر است. (۱)

ص: ۷۰

۱- ۱۰۱. أنت الذی فتحت لعبادک باباً إلى عفوک وسمّيته التوبه، وجعلت علی ذلک الباب دليلاً من وحيک؛ لئلا یضلّوا عنه، فقلت تبارک اسمک: تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نُّصُوحًا... مصباح المتهدّج ص ۷۴۲، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۴۲۳.

می دانم که در رحمت تو بر روی همه باز است؟

به راستی که چقدر زود به فریاد بیچارگان می رسی و از آنان دستگیری می کنی.

همیشه عادت تو بر این بوده است که بر گنهکاران نیکویی کنی و با مهربانی با آنان برخورد کنی. (۱)

اینک منم که به درگاه تو رو کرده ام و از تو انتظار مهربانی دارم پس صدایم را بشنو و دعایم را مستجاب کن

و دست رد به سینه ام مزن! (۲)

ص: ۷۱

-
- ۱- ۱۰۲. بابک مفتوح للراغبین، وجودک مباح للسائلین، وإغاثتک قریبه من المستغیثین.... عادتک الإحسان إلی المسیئین، وستتک الإبقاء علی المعتدین... مصباح المتهدجد ص ۳۶۹، جمال الأسبوع ۲۶۲، المصباح ص ۴۳۳.
- ۲- ۱۰۳. فها أنا ذا أؤمک بالوفاده، وأسألک حسن الرفاده... واسمع نجوای واستجب دعائی، ولا تختم یومی بخیتی... مصباح المتهدجد ص ۳۷۱، المصباح ص ۴۳۶.

نگاهم کن که چگونه به درگاه تو آمده‌ام، در حالی که خوار و ذلیل و بیچاره‌ام.

من به عفو تو پناه آورده‌ام و به رحمت تو دل بسته‌ام.

می‌دانم که غیر از تو کسی مرا از شر گناهانم امان نمی‌دهد.

ای کسی که از لغزش بندگان خویش می‌گذری!

ای کسی که صدای همه بندگان خویش را می‌شنوی!

ای کسی که از حال زار من خبر داری!

مرا از در خانه خویش ناامید برنگردان! (۱)

ص: ۷۲

۱- ۱۰۴. . وها أنا ذا بین یدیک صاغراً ذلیلاً- خاضعاً خاشعاً خائفاً، معترفاً بعظیم من الذنوب تحمّلته، وجلیل من الخطایا اجترمته... موقناً أنه لا یجیرنی منک مجیر...: المصباح ص ۶۷۶.

از تو می‌خواهم که راز و نیاز با خودت را در در نظرم زیبا جلوه‌دهی تا شب و روز با تو خلوت کنم و با تو سخن بگویم. (۱)

کاری کن که اطاعت و بندگیت برایم لذت بخش باشد.

قلب مرا از همه ناپاکی‌ها پاک ساز.

رحمت بزرگ خویش را بر من نازل کن تا با آن بتوانم به خیر دنیا و آخرت برسم.

نور ایمان را در قلبم ثابت قرار ده.

عاقبت امر مرا ختم به خیر بفرما! (۲)

ص: ۷۳

۱- ۱۰۵. وزین لیّ التفرد بمناجاتک باللیل والنهار...: الصحیفه السّجّادیه ص ۳۲۸.

۲- ۱۰۶. وهب لی رحمهً واسعاً جامعاً أبلغ بها خیر الدنیا والآخره...: مصباح المتهدّج ص ۵۹۸، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۷۷.

چقدر نعمت های فراوان به من ارزانی داشتی؛

چقدر بلاهای جانکاه را از من دور نمودی؛

تو بودی که در لحظات سخت به یاریم شتافتی و دعایم را مستجاب نمودی.

اگر یاری تو نبود، من بیچاره شده بودم.

چگونه شکر تو کنم که هر گاه تو را خواندم تو را آماده شنیدنِ دعای خویش یافتم!

ای پناه من! ای امید من! (۱)

ص: ۷۴

۱- ۱۰۷. . إلهی، کم من بلاءٍ وجهدٍ قد صرفت عَنِّي، وکم من نعمهٍ سابغِهِ أقررتَ بها عيني... أنت الذي أجبت عند الاضطرار دعوتي... بل وجدتك لدعائي سامعاً ولمطالبی معطياً...: الصحيفه السجادية ص ۳۷۶.

همیشه با نعمت های فراوان تو همراه بوده ام.

تو چقدر گناهان مرا با حلم خویش پوشاندی!

و چقدر بلاها را از من دور ساختی!

برای همین است که از تو فقط انتظار بزرگی و آقایی دارم!

من از گناهانم استغفار می کنم، در حالی که از کرده خویش پشیمان هستم.

ای کسی که نام تو بخشنده و مهربان است!

توبه ام قبول کن و صدایم را بشنو و ناامیدم مکن!

ای کسی که توبه کنندگان را دوست داری! (۱)

ص: ۷۵

۱- ۱۰۸. . جَلَّتْ أَنْ يَخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلَ، وَأَنْ يُرْجَى مِنْكَ إِلَّا الْإِحْسَانَ وَالْفَضْلَ... يَا مَنْ يُسَمَّى بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ... أَقْبَلْ تَوْبَتِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ ضِرَاعَتِي...: بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۵۶.

اگر گناهانم دیگر آبرویی برای من نگذاشته اند؛

اگر خطاهایم نمی گذارند تا صدایم به تو برسد؛

پس تو را به حق آن کس که او را بیش از همه کس دوست داری، قسم می دهم؛

تو را به حق فرستاده خودت محمد مصطفی و اهل بیت (علیهم السلام) او می خوانم تا توبه ام را قبول کنی که من می دانم هیچ کس را به اندازه آنها دوست نداری.

پس به حق آن عزیزانت تو را قسم می دهم تا گناهانم را ببخشی و مرا قبول نمایی. (۱)

ص: ۷۶

۱- ۱۰۹. فَإِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ قَدْ حَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَنْ تَقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَتَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا... متقرباً بنبيك محمد أحب خلقك إليك وأكرمهم لديك... وبعترته صلى الله عليهم، الهداه المهديين... مصباح المتعجب ص ۶۹۴، إقبال الأعمال ج ۲ ص ۱۰۷، بحار الأنوار ج ۹۹ ص ۱۷۲.

(۱) . إلهی، وسیدی، ارحمنی مصروعاً علی الفراش تقلبني أیدی أحيّتي، وارحمني مطروحاً علی المغتسل، يغسّليني صالح جیرتی، وارحمني محمولاً قد تناول الأقباء أطراف جنازتي، وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتي وغرّبتی ووحدي: الدعوات للراوندي ص ۱۷۹، مفتاح الفلاح ص ۲۵۸، الأمالی للصدوق ۲۸۹، روضه الواعظين ص ۱۹۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰.

(۲) . إلهی، ما تضریرنا فرقه الإخوان والقربات إن قرّبتنا منك يا ذا العظیات...: المصباح ص ۳۷۳، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۱۰۵، دستور معالم الحكم ص ۱۶۳.

(۳) . إلهی، وعزّتک وجلالک وعظمتک، لو أنّی منذ بدعت فطرتي من أوّل الدهر عبدتک دوام خلود ربوبيتک بكلّ شعره في كلّ طرفه عين سرمد الأبد بحمد الخلائق وشکرهم أجمعين، لکنت مقصّيراً في بلوغ أداء شکر أخفى نعمه من نعمتک علی...: مفتاح الفلاح ص ۲۴۵، الصحيفه السّجّاديه ص ۵۳۵، الأمالی للصدوق ص ۳۷۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰.

(۴) . فأشکر عبادک عاجز عن شکرک...: الصحيفه السّجّاديه ص ۲۷، المصباح ص ۴۱۳.

(۵) . وعصيتک علی غير مکابره ولا معانده ولا استخفاف مني ربوبيتک، ولا جحود لحقّک، ولكن استرّلتني الشيطان بعد الحجّه والبيان، فإن تعدّبتني فبذنوبي، وإن تغفر لي فبجودک ورحمتک، يا أرحم الراحمين: الصحيفه السّجّاديه ص ۴۹۷، الأمالی للطوسي ص ۴۱۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۱.

(۶) . إلهی، إن كنت عصيتک بارتکاب شيءٍ مما نهيتني عنه، فإنّي قد أطعتک في أحبّ الأشياء إليك الإيمان بک، منّا منك به عليّ، لا- منّا منّي به عليك، وترکت معصيتک في أبغض الأشياء إليك أن أجعل لک شريكاً أو أجعل لک ولداً أو نداً، وعصيتک علی غير مکابره ولا معانده ولا استخفاف مني...: الصحيفه السّجّاديه ص ۴۹۷، الأمالی ص ۴۱۵، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۱؛ اللهمّ إن كنت قد عصيتک فإنّي قد أطعتک في أحبّ الأشياء إليك وهو الإيمان بک...: کتاب من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۳۳، مکارم الأخلاق ص ۲۷۸، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۱۳۱، جامع أحاديث الشيعة ج ۴ ص ۵۳۴، الغارات ج ۲ ص ۸۴۹، الأمالی للطوسي ص ۴۱۵.

(۷) . إلهی، كيف أدعوك وقد عصيتک، وكيف لا أدعوك وقد عرفت حبّک في قلبي، وإن كنت عاصياً مددت إليك يداً بالذنوب مملوءه، وعيناي بالرجاء ممدوده، مولاي أنت عظيم العظماء، وأنا أسير الأسراء، أنا أسير بذنوب مرتهن بجرمي، إلهی، لئن طالبتني بذنبي لأطالبنک بکرمک، ولئن طالبتني بجريرتي لأطالبنک بعفوك...: مفتاح الفلاح ص ۲۴۱، الصحيفه السّجّاديه ص ۴۸۵، الأمالی للصدوق ۴۳۸، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۴۳۸.

(۸) . سيدي، لو أنّ عذابي ممّياً يزيد في ملكک لسألتک الصبر عليه، غير أنّي أعلم أنّه لا يزيد في ملكک طاعه المطيعين، ولا ينقص منه معصيه العاصين: مفتاح الفلاح ص ۲۵۸، الصحيفه السّجّاديه ص ۲۰۱، الأمالی للصدوق ص ۲۸۸، روضه الواعظين ص ۱۹۸، فضل الكوفه ومساجدها ص ۵۸، المزار لابن المشهدى ص ۱۴۷، المزار للشهيد الأول ص ۲۶۷، بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۹۰.

(٩) . إلهى، وسيدى وعزتك وجلالك، لئن طالبتنى بذنوبى لأطالبك بعفوك، ولئن طالبتنى بلومى لأطالبك بكرمك...: مصباح المتهجد ص ٥٩٦، الاختصاص ص ٤١، المصباح ص ٦٠٠، أعيان الشيعة ج ١ ص ٦٤٩.

(١٠) . إلهى، كفى بى عزاً أن أكون لك عبداً، وكفى بى فخراً أن تكون لى رباً، أنت كما أحب فاجعلنى كما تحب...: الخصال ص ٤٢٠، مسند الرضا ص ٨٤، كنز الفوائد ص ١٨١، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٢.

(١١) . اللهم إن كانت الذنوب تكف أيدينا عن انبساطها إليك بالسؤل، والمداومه على المعاصى تمنعنا عن التضرع والابتغال، فالرجاء يحثنا إلى سؤلك، يا ذا الجلال، فإن لم يعطف السيد على عبده، فممن يتغى النوال، فلا ترد أكفنا المتضرعه إلا ببلوغ الآمال...: مفتاح الفلاح ص ٢٥٩، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٣.

(١٢) . يا رب الأرباب أنت أنت أنت الذى انقطع الرجاء إلا منك: الكافي ج ٣ ص ٣٢٨، بحار الأنوار ج ٨٢ ص ٢٢٢؛ اللهم أنت أنت انقطع الرجاء إلا منك، وخابت آمال إلا فيك: وسائل الشيعة ج ٥ ص ٢٥٤، مستدرک الوسائل ج ٨ ص ١٢٨، جمال الأسبوع ص ١١٩، فلاح السائل ص ٢٥٦.

(١٣) . فى معلّم موليه الأمل فيذهب عنهم كآبه الوجل...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٦.

(١٤) . إلهي، كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أَضْجَعْتُ فِي حَفْرَتِهَا، وَأَنْصَرَفْتُ عَنْهَا الْمَشِيْعُونَ مِنْ جِيرَتِهَا، وَبِكِي الْغَرِيبِ عَلَيْهَا لَغْرَبَتِهَا، وَجَادَ عَلَيْهَا الْمَشْفِقُونَ مِنْ جِيرَتِهَا، وَنَادَاهَا مِنْ شَفِيرِ الْقَبْرِ ذُو مَوَدَّتِهَا، وَرَحْمَتِهَا الْمَعَادِي لَهَا فِي الْحَيَاةِ عِنْدَ صَرَعَتِهَا، وَلَمْ يَخْفِ عَلَى النَّاضِرِينَ ضَرَّ فَاقْتِهَا، وَلَا عَلَى مَنْ رَأَاهَا قَدْ تَوَسَّيْتِ الثَّرَى وَعَجَزَتْ حِيلَتِهَا، فَقُلْتُ: مَلَائِكَتِي، فَرِيدِ نَائِي عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ، وَبَعِيدِ جَفَاهِ الْأَهْلُونَ، نَزَلَ بِي قَرِيبًا، وَأَصْبَحَ فِي اللَّحْدِ غَرِيبًا، وَقَدْ كَانَ لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا دَاعِيًا، وَلِنَظْرِي لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ رَاجِيًا، فَتَحَسَّنْ عِنْدَ ذَلِكَ ضِيَاغَتِي، وَتَكُونِ أَشْفَقَ عَلَيَّ مِنْ أَهْلِي وَقَرَابَتِي: الدَّعَوَاتُ ص ١٨٠، الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ ص ٤٥٨، الْمَصْبَاحُ ص ٣٧٦، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٩١ ص ٩٣.

(١٥) . واسمع ندائِي إِذَا نَادَيْتَكَ، وَاسْمَعْ دَعَائِي إِذَا دَعَوْتَكَ، وَأَقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتَكَ، فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مَسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ، تَرَانِي وَتَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي، وَتَخْبِرْ حَاجَتِي وَتَعْرِفْ ضَمِيرِي، وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مَنقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِّئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي، وَأَنْفَوْهُ بِهِ مِنْ طَلْبَتِي، وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَةِ أَمْرِي...: بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٩١ ص ٩٧.

(١٦) . إلهي، إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجْلِي وَلَمْ يَقْرَبْنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتَ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَائِلَ عَمَلِي...: مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ ص ٥٩٣، إِقْبَالُ الْأَعْمَالِ ج ١ ص ١٦٩، الْمَصْبَاحُ ص ٣٧٤، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٩١ ص ١٠٥.

(١٧) . إلهي، لَمْ يَزَلْ بَرَّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعْ بَرَّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي، وَأَنْتَ لَمْ تَوَلَّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي. إلهي، تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعَدَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مَذْنِبٌ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ. إلهي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرَتِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ. إلهي، قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تَظْهَرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُؤْسَ الْأَشْهَادِ... إلهي، لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تَعَافَنِي. إلهي، مَا أَظَنَّكَ تَرَدُّدِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتَ عَمْرِي فِي طَلْبِهَا مِنْكَ...: إِقْبَالُ الْأَعْمَالِ ج ٣ ص ٢٩٦، الْمَصْبَاحُ ص ٣٧٤، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٩١ ص ٩٧.

(١٨) . إلهي، لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقَلَ بِهِ عَنِ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتِ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ، فَكَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ، فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ، وَلِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ...: إِقْبَالُ الْأَعْمَالِ ج ٣ ص ٢٩٨، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٩١ ص ٩٨، مَسْتَدْرَكَ سَفِينَةِ الْبَحَارِ ج ٨ ص ٤٣١.

(١٩) . الإمام الصادق ٧: الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ، لَا تَسْكُنْ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ: بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٦٧ ص ٢٥.

(٢٠) . إلهي، هَبْ لِي قَلْبًا يَدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ... إلهي، أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَلايَتِكَ مَقَامٍ مِنْ رَجَا الزِّيَادَةِ مِنْ مَحَبَّتِكَ. إلهي، وَأَلْهِمْنِي وَلَهَّأْ بِذِكْرِكَ إِلَيَّ ذِكْرَكَ...: إِقْبَالُ الْأَعْمَالِ ج ٣ ص ٢٩٨، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٩١ ص ٩٨.

(٢١) . ارحمني إِذَا انْقَطَعَ مَعْلُومَ عَمْرِي، وَدَرَسَ ذِكْرِي وَامْتَحَى أَثْرِي... مَنْسِيًّا كَمَنْ نُسِيَ فِي الْأَمْوَاتِ مَنْ كَانَ قَبْلِي...: الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ ص ٤٤٨، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ٩١ ص ١٦١.

(٢٢) . إلهي، أَصْبَحْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ مَنْحَكِ سَائِلًا، وَعَنِ التَّعَرُّضِ لِسَوَاكِ بِالْمَسْأَلَةِ عَادِلًا، وَلَيْسَ مِنْ جَمِيلِ امْتِنَانِكَ رَدَّ سَائِلٍ مَلْهُوفٍ وَمُضْطَرٍِّّ لَانْتِظَارِ خَيْرِكَ الْمَأْلُوفِ...: جَمَالُ الْأُسْبُوعِ ص ٦٣، الْمَزَارُ لِابْنِ الْمُشْهَدِيِّ ص ١٥١، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ص ١٧٢.

(٢٣) . إلهي، قلب حشوته من محبتك في دار الدنيا، كيف تطلع عليه نار محرقة في لظى... المزار لابن المشهدى ص ١٥٢، بحار الأنوار ج ٩٧ ص ٤٥١.

(٢٤) . إلهي، إن أقدني الذنوب عن السبق مع الأبرار فقد أقامتني الثقة بك على مدارج الأخيار... بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠١.

(٢٥) . إلهي، ارحمنا غرباء إذا تضمّنتنا بطون لحدونا، وعُمّيت باللبن سقوف بيوتنا، وأضجعنا مساكين على الإيمان في قبورنا، وخلفنا فرادى في أضيّق المضاجع، وصرعتنا المنايا في أعجب المصارع، وصرنا في دار قوم كأنها مأهولة وهي منهم بلاقع. إلهي، إذا جئناك عراء حفاة مغبرة من ثرى الأجداث رؤسنا، وشاحبه من تراب الملا حيد وجوهنا، وخاشعه من أفزاع القيامة أبصارنا، وذابله من شدّه العطش شفاهنا، وجائعه لطول المقام بطوننا، وباديّه هنالك للعيون سوآتنا، وموقّره من ثقل الأوزار ظهورنا، ومشغولين بما قد دهانا عن أهالينا وأولادنا، فلا تضعف المصائب علينا بإعراض وجهك الكريم عنا، وسلب عائده ما مثله الرجاء منا... بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٣.

(٢٦) . إلهي، إذا شهد لي الإيمان بتوحيدك، وانطلق لساني بتمجيدك، ودلّني القرآن على فواضل جودك، فكيف لا يبتهج رجائي بحسن موعودك. إلهي، تتابع إحسانك إليّ يدلّني على حسن نظرك لي، فكيف يشقى امرء حسن له منك النظر... المصباح ص ٣٧٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٦، العدد القويّه ص ٢٥.

(٢٧) . إلهي، لو طبقت ذنوبي ما بين السماء إلى الأرض، وخرقت النجوم، وبلغت أسفل الشرى، ما ردّني اليأس عن توقّع غفرانك، ولا صرفني القنوط عن انتظار رضوانك. إلهي، دعوتك بالدعاء الذي علّمتنيه، فلا تحرمني جزاءك الذي وعدتنيه، فمن النعمه أن هديتني لحسن دعائك، ومن تمامها أن توجب لي محمود جزائك. إلهي، وعزّتك وجلالك، لقد أحببتك محبه استقرّت حلاوتها في قلبي، وما تتعقد ضمائر موخّديك على أنك تبغض محبيك، إلهي، أنتظر عفوك كما ينتظره المذنبون، ولست أيأس من رحمتك التي يتوقّعها المحسنون... المصباح ص ٣٧٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص

(٢٨) . أنت الذى بفنائك حُطَّت الرحال، وإليك قُصِدت الآمال.... إلهى، بك لاذت القلوب؛ لأنك غايه كلِّ محبِّوب، وبك استجارت فرقا من العيوب، وأنت الذى علمت فحلمت، ونظرت فرحمت، وخبرت وسترت، وغضبت فغفرت، فهل ملول غيرك فيرجى، أم هل رب سواك فيخشى، أم هل معبود سواك فيدعى، أم هل قدم عند الشدائد إلا وهى إليك تسعى، فوعز عزك يا سرور الأرواح، ويا منتهى غايه الأفراح، إني لا أملك غير ذلّي ومسكنتى لديك، وفقرى وصدق توكلّى عليك، فأنا الهارب منك إليك، وأنا الطالب منك ما لا- يخفى عليك، فإن عفوت فبفضلك، وإن عاقبت فبعدلك، وإن مننت فبجودك، وإن تجاوزت فبدوام خلودك. إلهى، بجلال كبريائك أقسمت، وبدوام خلود بقائك آليت، إني لا برحت مقيماً ببابك حتى تلواننى من سطوات عذابك، ولا أقنع بالصفح عن سطوات عذابك حتى أروح بجزيل ثوابك...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١١١.

(٢٩) . إلهى، كيف أدعوك وقد عصيتك؟ وكيف لا- أدعوك وقد عرفتك؟ حبك فى قلبى وإن كنت عاصياً، مددت يداً بالذنوب مملوءه، وعيناً بالرجاء ممدوده، ودمعه بالآمال موصوله. إلهى، أنت ملك العطايا، وأنا أسير الخطايا، ومن كرم العظماء الرفق بالأسراء، وأنا أسير جرمى، مرتهن بعملى. إلهى، لئن طالبتنى بسريرتى لأطلين منك عفوك...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٢١.

(٣٠) . إلهى، الويل لى ثم الويل لى إن أنا قدمت عليك وأنت ساخط على، فمن ذا الذى يرضيك عنى، ليس لى حسنه سبقت لى فى طاعتك، أرفع بها إليك رأسى، أو ينطق بها لسانى، ليس لى إلا الرجاء منك، فقد سبقت رحمتك غضبك، عفوك عفوك عفوك، فإنك قلت فى كتابك المنزل على نبيك المرسل صلواتك عليه وعلى آله وسلامك: نَبِيٌّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ...: الصحيفة السجادية ص ٤٩٠، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٢٢.

(٣١) . لا- استحيينا منك وأنت ترانا، ولا رعينا حقَّ حرمتك أى ربّ، فبأى وجه - عزّ وجهك - نلقاك، أو بأى لسانٍ نناجيك وقد نقضنا العهود بعد توكيدها، وجعلناك علينا كفيلاً ثم دعوناك عند البليه ونحن مقتحمون فى الخطيئه، فأجبت دعوتنا وكشفت كربتنا، ورحمت فقرنا وفاقتنا...: الصحيفة السجادية ص ٤٩٦، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٢٥.

(٣٢) . إلهى، لولا- أنّ العفو من صفاتك، لما عصاك أهل معرفتك. إلهى، لولا أنّك بالعفو تجود لما عصيتك وإلى الذنب أعود... أنت الذى قلت: من الذى دعانى فلم ألبه، ومن الذى سألنى فلم أعطه، ومن الذى أقام بيابى فلم أجبه... ونعم ما فعلت من الكرم والإحسان. إلهى، أنت أغرقتنى بالجود والكرم والعطايا، وأنا الذى أغرقت نفسى بالذنوب والجهاله والخطايا، وأنت مشهور بالإحسان، وأنا مشهور بالعصيان...: الصحيفة السجادية ص ٤٧٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٩.

(٣٣) . إلهى، إذا تلونا من صفاتك: شديد العقاب، أسفنا، وإذا تلونا منها: الغفور الرحيم، فرحنا، فنحن بين أمرين، فلا سخطك تُؤننا، ولا- رحمتك تُؤيسنا. إلهى، إن قصرت مساعينا عن استحقاق نظرتك، فما قصرت رحمتك بنا عن دفاع نعمتك...: المصباح ص ٣٧٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٤.

(٣٤) . فنظرت فى عملى فرأيتة ضعيفاً يا مولاي، وحاسبت نفسى فلم أجدنى أقوم بشكر ما أنعمت علىّ، وعددت سيئاتى فأصبتها تسترق حسناتى، فكيف أطمع أن أنال جنتك بعملى، وأنا مرتهن بخطيئتى؟ لا كيف يا مولاي إن لم تداركنى منك برحمه تمنّ

بها عليّ في مننٍ قد سبقت منك لا أحصيها تختم لي بها كرامتك، فطوبى لمن رضيت عنه، وويل لمن سخطت عليه، فارضِ عني ولا تسخط عليّ يا مولاي...: الصحيفه السجّاديه ج ٥٩٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٥.

(٣٥) . سميت نفسك بالعفو...: الصحيفه السجّاديه ص ٧٨ دعاء الاستقاله من الذنوب .

(٣٦) . ربّ حسنت خلقى، وعظمت عافيتى، ووسّعت عليّ فى رزقى، ولم تزل تنقلنى من نعمه إلى كرامه، ومن كرامه إلى فضل، تجدد لي ذلك في ليلي ونهارى، لا أعرف غير ما أنا فيه، حتّى ظننت أنّ ذلك واجب عليك لي، وأنّه لا ينبغي لي أن أكون في غير مرتبتى، لأننى لم أدر ما عظيم البلاء فأجد لذه الرخاء، ولم يذلنى الفقر فأعرف فضل الأمن، فأصبحت وأمست في غفله ممّا فيه غيرى ممّن هو دونى، فكفرت ولم أشكر بلاءك، ولم أشكّ أنّ الذى أنا فيه دائم غير زائل عني، لا أحدث نفسى بانتقال عافيه وتحويل فقر، ولا -خوفٍ ولا حزنٍ في عاجل دنياى وآجل آخرتى، فيحول ذلك بينى وبين التضرّع إليك في دوام ذلك لي، مع ما أمرتنى به من شكرك ووعدتنى عليه من المزيد من لديك، فسهوتُ ولهوتُ، وغفلت وأمنت، وأشرت وبطرت، وتهاونت حتّى جاء التغيير مكان العافيه بحلول البلاء، ونزل الضرّ بمنزله الصّحّه وبأنواع السقم والأذى، وأقبل...: الدعوات ص ١٦٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٦.

ص: ٧٩

(٣٧) . إلهي، أسألك أن تعصمني حتى لا أعصيك، فإنني قد بهتت وتحيرت من كثرة الذنوب مع العصيان، ومن كثرة كرمك مع الاحسان، وقد كَلت لسانى كثرة ذنوبى، وأذهبت عني ماء وجهى، فبأى وجه ألقاك وقد أخلق الذنوب وجهى، وبأى لسان أدعوك وقد أخرس المعاصى لسانى، وكيف أدعوك وأنا العاصى، وكيف لا أدعوك وأنت الكريم، وكيف أفرح وأنا العاصى، وكيف أحزن وأنت الكريم، وكيف أدعوك وأنا أنا، وكيف لا أدعوك وأنت أنت... بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٨.

(٣٨) . إلهي، ضاق صدري، ولست أدري بأى علاج أداوى ذنبي، فكم أتوب منها وكم أعود إليها، وكم عليها ليلي ونهارى، فحتى متى يكون وقد أفنيت بها عمرى. إلهي، طال حزني ورق عظمى، وبلى جسمى، وبقيت الذنوب على ظهري فأليك أشكو سيدي فقري وفاقتى، وضعفى وقله حيلتى... فكيف ينقطع رجائي بموعودك. إلهي، أنا الذى قتلت نفسى بسيف العصيان، حتى استوجبت منك القطيعه والحرمان، فالأمان الأمان، هل بقى لى عندك وجه الإحسان... بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٤٠.

(٣٩) . إلهي، عصاك آدم فغفرته، وعصاك خلق من ذريته، فيا من عفى عن الوالد معصيته، اعف عن الوالد العصاه لك من ذريته... إلهي، جعلت لى عدواً يدخل قلبى، ويحل محلّ الرأى والفكره منى، وأين الفرار إذا لم يكن منك عون عليه. إلهي، إن الشيطان فاجر خبيث، كثير المكر شديد الخصومه، قديم العداوه، كيف ينجو من يكون معه فى دار وهو المحتال، إلا أنى أجد كيده ضعيفاً، فأياك نعبد وإياك نستعين، وإياك نستحفظ، ولا حول ولا قوه إلا بالله، يا كريم يا كريم...: الصحفيه السجّاديه ص ٤٨٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٤١.

(٤٠) . سيدي قد ذكرتك بالذكر الذى ألهمتني، ووحدتك بالتوحيد الذى أكرمتني، ودعوتك بالدعاء الذى علمتني، فلا تحرمنى برحمتك الجزاء الذى وعدتني، فمن النعمه لك على أن هديتني بحسن دعائك، ومن إتمامها أن توجب لى محموده جزائك...: الصحفيه السجّاديه ص ٤٥٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦٧؛ سيدي، أتيتك معترفاً لك بسوء فعلى، خاضعاً لك باستكانه ذلى، راجياً منك جميل ما عرفتني من الفضل الذى عودتني، فلا تصرف رجائي من فضلك خائباً: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦٩.

(٤١) . إلهي، وكيف أدعوك وأتمنى الجته مع أفعالى القبيحه، وكيف لا أدعوك وأتمنى الجته مع أفعالك الحسنه الجميله. إلهي، أنا الذى أدعوك وإن عصيتك، ولا ينسى قلبى ذكرك. إلهي، أنا الذى أرجوك وإن عصيتك، ولا ينقطع رجائي بكثرة عفوك يا مولاي. إلهي، ذنوبى عظيمه، ولكن عفوك أعظم من ذنوبى. إلهي، بعفوك العظيم اغفر لى العظيمه، فإنه لا يغفر الذنوب العظيمه إلا الرب العظيم...: الصحفيه السجّاديه ص ٤٧٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٩.

(٤٢) . ثم نظر يميناً وشمالاً بعد هذا الدعاء، ثم قال: أما تدرّون ما كان أمير المؤمنين ^ع يقول فى سجده الشكر؟ قلنا: وما كان يقول؟ قال: كان يقول: يا من لا يزيدك إلحاح الملحّين إلاّ جوداً وكرماً، يا من له خزائن السموات والأرض، يا من له خزائن ما دقّ وجلّ، لا يمنعك إساءتى من إحسانك، إنى أسألك أن تفعل بى ما أنت أهله، وأنت أهل الجود والكرم والعفو، يا الله يا الله، افعل بى ما أنت أهله، وأنت قادر على العقوبه، وقد استحققتها، لا حجّه لى ولا عذر لى عندك، أبوء إليك بذنوبى كلّها، وأعترف بها كى تعفو عني...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٨٨.

(٤٣) . أفكر فى غناك عن عذابي، وفقرى إلى رحمتك يا مولاي، مع هوان ما طمعت فيه منك عليك، وعسره عندى ويسره

عليك، وعظيم قدره عندي، وكبير خطره لدي، وموقعه مني، مع جودك بجسيم الأمور، وصفحك عن الذنب الكبير، لا يتعاضمك يا سيدي ذنب أن تغفره...: الصحيفه السجّاديه ص ٥٩٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٥.

(٤٤). إلهي، أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورين، وأمرت بصله السؤل وأنت خير المسؤولين. إلهي، كيف ينقل بنا اليأس إلى الإمساك عمّا لهجنا بطلابه، وقد أدرعنا من تأملنا إياك أسبغ أثوابه. إلهي، إذا هزّت الرهبه أفنان مخافتنا، انقلعت من الأصول أشجارها، وإذا تنسّمت أرواح الرغبه منّا أغصان رجائنا، أينعت بتلقيح البشاره أثمارها...: المصباح ص ٣٧٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٤.

(٤٥). إلهي، إن أخطأت طريق النظر لنفسي بما فيه كرامتها، فقد أصبّت طريق الفرع إليك بما فيه سلامتها. إلهي، إن كانت نفسي استسعدتني متمرّده على ما يريدها، فقد استسعدتها الآن بدعائك على ما ينجيها... إلهي، إن أحجم بي قلبه الزاد في المسير إليك، فقد وصلته الآن بذخائر ما أعدته من فضل تعويلي عليك: المصباح ص ٣٧٠، بحار الأنوار ص ١٠٢، دستور معالم الحكم ص ١٦٧.

(٤٦). وكان الله أنيسه في الوحشه، وصاحبه في الوحده: عدّه الداعي ص ٢١٩.

(٤٧) . إلهي، وإنَّ كلَّ حلاوه منقطعه، وحلاوه الإيمان تزداد حلاوتها اتِّصلاً بك: بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٦.

(٤٨) . ولولا تعلُّقى بالآنتك، وتمسِّيكي بالرجاء لما وعدت أمثالي من المسرفين، وأشباهي من الخاطئين بقولك: (قُلْ يَـٰ عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)... مفتاح الفلاح ص ٧٣، المصباح ص ٢٧٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٨٢، صحيفه الرضا ص ١٠٨.

(٤٩) . فإن كان ذنوبي حالت بين دعائي وإجابتك، فلم يحل كرمك بيني وبين مغفرتك، لا تفضل من هديت، ولا تذلل من واليت، ولا يفتقر من أغنيت، ولا يسعد من أشقيت...: الصحيفه السجّاديه ص ٤٦١، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦٩.

(٥٠) . وإثقُّ بعد ذلك منك بالصفح الكريم، والعفو القديم، والرحمة الواسعه، فجزّأني على معصيتك ما أذقتني من رحمتك ووثوبى على محارمك، ما رأيت من عفوك، ولو خفت تعجيل نقمتك لأخذت حذرى منك كما أخذته من غيرك ممّن هو دونك ممّن خفت سطوته، فاجتنب ناحيته... عبادك جميعاً إليك فقراء، وأنا أفقرهم إليك، لذنبٍ تغفره، ولفقرٍ تجبره...: الصحيفه السجّاديه ص ٥٩٤، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٤.

(٥١) . من أنا يا سيّدى فتقصّد قصدى بغضب يدوم منك علىّ تريد به عذابي، ما أنا فى خلقك إلاّ بمنزله الذرّه فى ملكك العظيم، فهب لى نفسى بجودك وكرمك، فإنّك تجد منى خلقاً ولا أجد منك وبك غنىّ عنىّ، ولا غنىّ بى حتّى تلحقنى بهم فتصيرنى معهم، إنّك أنت العزيز الحكيم...: الصحيفه السجّاديه ص ٥٩٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٦.

(٥٢) . إلهي، أنا عبدك الضعيف المذنب، ومملوكك المنيب المغيث، فلا تجعلنى ممّن صرفت عنه وجهك، وحجبه سهوه عن عفوك...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٩.

(٥٣) . إلهي، أحبّ طاعتك وإن قصرت عنها، وأكره معصيتك وإن ركبته...: المصباح ص ٣٧٠، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠١.

(٥٤) . إلهي، إن كنت لا ترحم إلاّ المجدين فى طاعتك، فألى من يفرع المقصّرون، وإن كنت لا تقبل إلاّ من المجتهدين، فألى من يلتجئ المفرطون، وإن كنت لا تكرم إلاّ أهل الإحسان، فكيف يصنع المسيؤون، وإن كان لا يفوز يوم الحشر إلاّ المتّقون، فبمن يستغيث المذنبون...: المصباح ص ٣٧١، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٣.

(٥٥) . إلهي، واجعلنى ممّن ناديته فأجابك، ولا حظته فصعق بجلالك، فناجيته سرّاً وعمل لك جهراً. إلهي، لم أسلّط على حسن ظنّى قنوط الإياس، ولا انقطع رجائى من جميل كرمك...: إقبال الأعمال ص ٢٩٩، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٩.

(٥٦) . إلهي، كيف أنقلب من عندك بالخيبه محروماً، وقد كان حسن ظنّى بجودك أن تقلبنى بالنجاه مرحوماً...: الصحيفه السجّاديه ص ٤٥٠، إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٨.

(٥٧) . إلهي، ليس تشبه مسألتي مسأله السائلين؛ لأنّ السائل إذا منع امتنع عن السؤال، وأنا لا غناء بى عمّا سألتك على كلّ حال. إلهي، ارض عنىّ، فإن لم ترض عنىّ فاعف عنىّ، فقد يعفو السيّد عن عبده وهو عنه غير راضٍ...: الصحيفه السجّاديه ص ٤٢٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٥.

(٥٨) . وإن أدخلتني النار أعلمت أهلها أنني أحبك...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٩٧، بحار الأنوار ٩١ ص ٩٨؛ ولئن أدخلتني النار لأخبرن أهل النار بحبي لك...: الصحيفه السجّاديه ص ٢٢٢، مصباح المتهدّج ص ٥٩٦، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٩٢.

(٥٩) . إلهي، لا- تردني في حاجه قد أفنيت عمري في طلبها منك، وهي المغفره...: المصباح ص ٣٧٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٦.

(٦٠) . إلهي، ما وصفت من بلاءٍ ابتليتني، أو إحسانٍ أوليتني، فكلّ ذلك بمنّك فعلته، وعفوك تمام ذلك إن أتمته...: المصباح ص ٣٧٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٦.

(٦١) . لولا- ما عرفت من كرمك، ما رجوت ثوابك، وأنت أولى الأكرمين بتحقيق أمل الآملين، وأرحم من استرحم في تجاوزه عن المذنبين. إلهي، نفسي تمّني بأنيك تغفر لي، فأكرم بها أمنيّه بشرت بعفوك، فصّدق بكرمك مبشّرات تمّنيها، وهب لي بوجودك مُدبّرات تجنيها...: المصباح ص ٣٧٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٦.

(٦٢) . إلهي، أصبحت على بابٍ من أبواب منحك سائلاً، وعن التعرّض لسواك بالمسأله عادلاً، وليس من جميل امتنانك ردّ سائل ملهوف ومضطّرّ لانتظار خيرك المألوف... لو لم تطلق لساني بدعائك ما دعوت، ولو لم تعرّفني حلاوه معرفتك ما عرفت، ولو لم تعرّفني حقيقه معرفتك ما عرفت...: المزار لابن المشهدى ص ١٥١، جمال الأسبوع ص ٦٢، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٠٠.

(٦٣) . تركي للاستغفار مع سعه رحمتك عجز. إلهي، كم تتحبب إليّ بالنعم وأنت عنّي غنيّ، وأتبغض إليك بالمعاصي وأنا إليك محتاج، فيا من إذا وعد وفا، وإذا تواعد عفا...: الصحيفه السجّاديه ص ٨٤، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٢.

(٦٤) . ما كنتُ عبداً لغيرك فيكون غيرك لي مولى، ولا كنتُ مرزوقاً من سواك فأستديمه عاده الحسنى، وما قصدت باباً إلاّ بابك، فلا تطردني من بابك الأدنى...: الصحيفه السجّاديه ص ١٨٦، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣١.

(٦٥) . يا من هو عوض من كل شيء، وليس منه عوض... بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٢٥.

(٦٦) . إلهي، ما أضيّق الطريق على من لم تكن أنت أنيسه. إلهي، إن طالبتي بذنوبي لأطالبنك بعفوك، ولئن طالبتي بسريرتي لأطالبنك بكرمك... المزار لابن المشهدى ص ١٥٠، بحار الأنوار ج ٩١ ص ٩٣؛ ما أضيّق الطريق على من لم يكن الحقّ تعالى دليله...: شرح نهج البلاغه ج ٢٠ ص ٣٤٧.

(٦٧) . أنا الذي لا أقطع منك رجائي، ولا أخيب منك دعائي. إلهي، نظرتُ إلى عملي فوجدته ضعيفاً، وحاسبتُ نفسي فوجدتها لا تقوى على شكر نعمه واحده أنعمتها عليّ...: الصحيفة السجّادية ص ٤٨٥، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٢١.

(٦٨) . إلهي، متى خاب في غنائك أمل، وانصرف بالردّ عنك سائل، أم متى دُعيت فلم تجب، أم استُوهبت فلم تهّب، يا من أمر بالدعاء، وتكفّل بالوفاء، لا تحرمني رضوانك...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١١٢.

(٦٩) . إلهي وسَيدي ومولاي، إن رددتني إلى نفسي أهلكتنى. إلهي، وسَيدي ومولاي إن رددتني إلى سؤل غيرك أذلتني. إلهي وسَيدي ومولاي، أوبقتني ذنوبي وأنت أولى من عفا عني...: الصحيفة السجّادية ص ٤٩٨، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٢٢.

(٧٠) . ولا تجعلني ممّن يبطره الرخاء ويصرعه البلاء، فلا يدعوك إلاّ عند حلول نازله، ولا يذكرك إلاّ عند وقوع جائحه فيصرع لك خده، وترفع بالمسألة إليك يده...: الصحيفة السجّادية ص ٤٨٧، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٠.

(٧١) . فسألتك مسألة من لا يستوجب أن تسمع له دعوه؛ لعظيم ما كنت فيه من الغفله، وطلبت طلبه من لا يستحقّ نجاح طلبه؛ للذي كنت فيه من اللّهُو والفترة، وتضرّعت تضرّع من لا يستوجب الرحمة؛ لما كنت فيه من الزهو والاستطاله... ووعدتني منك وعداً حسناً أن أدعوك فتستجيب لي، فأنا أدعوك كما أمرتني، فاستجب لي كما وعدتني، وزدني من نعمتك وعافيتك وكلاءتك وسترِكَ...: الدعوات ص ١٧٦، الصحيفة السجّادية ص ٨٠، بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٣٦.

(٧٢) . لا أعرف من نفسي إلاّ كلّ الذي يسوؤني، ولا أعرف منك إلاّ كلّ الذي يسرّني...: بحار الأنوار ج ٩٢ ص ٤٣٣.

(٧٣) . يا خيراً من أبي وأمي، ومن الناس كلّهم أجمعين... يا خير من خلوت به في وحدتي...: الصحيفة السجّادية ص ٦٨، بحار الأنوار ج ٩٢ ص ٤٣٦.

(٧٤) . إلهي، إن كنت لا ترحم إلاّ المجدّين في طاعتك، فإلى من يفرغ المقصّرون؟ وإن كنت لا تقبل إلاّ من المجتهدين، فإلى من يلتجئ المفرطون؟ سيّدي أمرت بالمعروف وأنت أولى به من المأمورين، وحضضت على إعطاء السائلين وأنت خير المسؤولين، وندبت إلى عتيق الرقاب وأنت خير المعتقين...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١٦٥.

(٧٥) . اقبل بوجهك الكريم إليّ، ولا تصرفه عني: الأمالى للمفيد ص ٢٤٣، بحار الأنوار ج ٩٢ ص ١٨٣.

(٧٦) . وحبّي لك شفيعي إليك، وأنا واثق من دليلى بدلائتك، وساكن من شفيعي إلى شفاعتك...: مصباح المتهجّد ص ٥٨٣، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٥٩، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٣.

(٧٧) . فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجَلُّ عَنْ مَجَازَاتِ الْمَذْنِبِينَ...: مصباح المتهجد ص ٥٨٤، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٤ .

(٧٨) . أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ؟ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ؟ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ...: مصباح المتهجد ص ٥٨٥، المصباح ص ٥٩١، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٤ .

(٧٩) . يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْهِ، وَيَا قَرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَازَبَهُ وَانْقَطَعَ إِلَيْهِ...: مصباح المتهجد ص ٥٨٥، بحار الأنوار ج ٩٤ ص ٣٣٨ .

(٨٠) . أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعَظْمَى، أَنَا الَّذِي لَمْ اسْتَحْيِكْ فِي الْخَلَاءِ... أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى...: إقبال الأعمال ج ١ ص ١٦٥، المصباح ص ٥٩٤، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٧ .

(٨١) . يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كَرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ ذُنُوبِي...: إقبال الأعمال ج ٢ ص ٨٢، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٢٢١ .

(٨٢) . فَوَعَزَّتْكَ لَوْ انْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتَ مِنْ بَابِكَ، وَلَا كَفَفْتَ عَنْ تَمَلُّقِكَ؛ لَمَّا أَلْهِمَ قَلْبِي يَا سَيِّدِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ...: مصباح المتهجد ص ٥٩٠، المصباح ص ٥٩٥، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٨ .

(٨٣) . مَوْلَايَ، بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي، وَبِمَنَاجَتِكَ بَرَّدَتْ أَلْمَ الْخَوْفِ عَنِّي، فَيَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي... فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَعَظِيمِ الطَّمَعِ فِيكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ...: مصباح المتهجد ص ٥٩٢، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٩ .

(٨٤) . اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَبَتَ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عَدْتَ فِيهِ...: مصباح المتهجد ص ٢١٩، مستدرك الوسائل ج ٦ ص ٢٨١، مكارم الأخلاق ص ٣٠٣، الدرر والواقية ص ٢٤٨، جامع أحاديث الشيعة ج ٧ ص ٣٧٤، كنز العمال ج ٢ ص ٧٠١ .

(٨٥) . سَيِّدِي، بَمَنْ أَسْتَغِيثُ إِنْ لَمْ تَقْلُنِي عَثْرَتِي، وَإِلَى مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَقدت عَنَائِتَكَ فِي ضَجْعَتِي... سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي... فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو لَهَا إِلَّا عَفْوَكَ، سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفَرَةِ...: مصباح المتهجد ص ٥٩٣، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٧٠، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٩٠ .

(٨٦) . اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا يَفْرَجُهُ غَيْرُكَ، وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ...: مصباح المتهجد ص ٧١، فلاح السائل ص ١٩٦، بحار الأنوار ج ٨٣ ص ١٨٢ .

(٨٧) . فَوَعَزَّتْكَ يَا سَيِّدِي، لَوْ انْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتَ مِنْ بَابِكَ... إِنْ لَنَا فِيكَ رَجَاءٌ عَظِيمًا، عَصِينَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا...: إقبال الأعمال ج ١ ص ١٦١، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٨٥ .

(٨٨) . إِلَهِي، كَيْفَ آيَسُ مِنْ حَسَنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ تَوْلِنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي...: إقبال الأعمال ج ٣ ص ٢٩٦، بحار الأنوار ج ٩٢ ص ٢٤٢ .

(٨٩) . فكم تتحبب إليّ بالنعم مع غناك عنى، وأتبغض إليك بالمعاصى مع فقرى إليك...: مصباح المتهجد ص ٥٦٦، تهذيب الأحكام ج ٣ ص ٩٠، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ١٣٣.

(٩٠) . متى خاب فى فنائك آمل، أم متى انصرف بالردّ عنك سائل. إلهى، ما دعاك من لم تجبه؛ لإتّك قلت: ادعوني استجب لكم، وأنت لا تخلف الميعاد...: بحار الأنوار ج ٩١ ص ١١٢.

(٩١) . سيدي عافيه من أرجو إن لم أرج عافيتك، وعفو من أرجو إن لم أرج عفوك، ورحمه من أرجو إن لم أرج رحمتك، ومغفره من أرجو إذا لم أرج مغفرتك...: الصحيفه السجّاديه ص ٣٣٥، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٢٣٧.

(٩٢) . أنت أنت انقطع الرجاء إلا منك، وخابت الآمال إلا فيك، فلا تقطع رجائى يا مولاي...: مفتاح الفلاح ص ٢٠٨، الصحيفه السجّاديه ص ٣٤٧، وسائل الشيعه ج ٨ ص ١٢٧، بحار الأنوار ج ٩٧ ص ١٩٠.

(٩٣) . وارزقنى توبه نصوحاً أستوجب بها محبتك: إقبال الأعمال ج ٢ ص ٢٩٧، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٣١٤.

(٩٤) . اللهم إني أعوذ بك من علم لا ينفع، ومن دعاء لا يُسمع: مسند أحمد ج ٢ ص ١٦٧، سنن ابن ماجه ج ١ ص ٩٢، سنن أبى داود ج ١ ص ٣٤٥، سنن النسائي ج ٨ ص ٢٦٣، المستدرک ج ١ ص ١٠٤، عون المعبود ج ١٢ ص ٢٠٧، السنن الكبرى ج ٤ ص ٤٤٥، مسند أبى يعلى ج ١١ ص ٤١١، المعجم الأوسط ج ١ ص ٢٠٦، المعجم الكبير ج ١١ ص ٤٤، مسند الشاميين ج ٤ ص ٣٠٣، تهذيب الكمال ج ١٤ ص ١٢٥، ميزان الاعتدال ج ٣ ص ٢٠٨.

(٩٥) . لا تكلنى إلى نفسى طرفه عين...: الكافى ج ٧ ص ٢، دعائم الإسلام ج ٢ ص ٣٤٦، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ٤ ص ١٨٨، تفسير القمى ج ٢ ص ٥٦، تفسير نور الثقلين ج ٣ ص ١٩٩، مجمع الزوائد ج ١٠ ص ١٨١، الجامع الصغير ج ١ ص ٢٢٠، كنز العمال ج ٢ ص ١٣٩، تفسير الثعالبي ج ٣ ص ٤٨٨، تفسير الألوسى ج ١٥ ص ١٢٩.

(٩٦) . اللهم إني أخلصت بانقطاعى إليك، وأقبلت بكلى عليك، وصرفت وجهى عمّن يحتاج إلى رفقك، وقلبت مسألتي عمّن لم يستغن عن فضلك...: الصحيفه السجّاديه ص ١٤٤، تفسير نور الثقلين ج ٥ ص ١٣٣.

(٩٧) . يا من يعطى من سأله تحنناً منه ورحمه، ويتدى بالخير من لم يسأله تفضلاً منه وكرماً...: مصباح المتهجد ص ٥٩٨، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٧٧، بحار الأنوار ج ٩٥ ص ٩٥.

(٩٨) . هذا مقام من تداولته أيدي الذنوب، واستحوذ عليه الشيطان، فقصر عمياً أمرت به تفريطاً... فأقبل نحوك مؤملاً لك مستحياً منك...: الصحيفه السجّاديه ص ١٥٢.

(٩٩) . وقد قلت يا إلهى فى محكم كتابك أنك تقبل التوبه عن عبادك، وتعفو عن السيئات، وتحبّ التّوابين، فاقبل توبتى كما وعدت، واعف عن سيئاتى كما ضمنت...: الصحيفه السجّاديه ص ١٥٣.

(١٠٠) . إن يكن الندم توبه إليك، فأنا أندم النادمين... إن يكن الاستغفار حطه للذنوب، فأنتى لك من المستغفرين، اللهم فكما

أمرت بالتوبه وضمنت القبول وحثت على الدعاء ووعدت الإجابة...: الصحيفه السّجّاديه ص ١٦٥.

(١٠١) . أنت الذى فتحت لعبادك باباً إلى عفوك وسمّيته التوبه، وجعلت على ذلك الباب دليلاً من وحيك؛ لئلا يضلّوا عنه، فقلت تبارك اسمك: تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نُّصُوْحًا...: مصباح المتهجّد ص ٧٤٢، إقبال الأعمال ج ١ ص ٤٢٣.

(١٠٢) . بابك مفتوح للراغبين، وجودك مباح للسائلين، وإغاثتك قريبه من المستغيثين.... عادتك الإحسان إلى المسيئين، وسنتك الإبقاء على المعتدين...: مصباح المتهجّد ص ٣٦٩، جمال الأسبوع ٢٦٢، المصباح ص ٤٣٣.

(١٠٣) . فها أنا ذا أوْمَك بالفاده، وأسألك حسن الرفاده... واسمع نجواى واستجب دعائى، ولا تختم يومى بخيبتى...: مصباح المتهجّد ص ٣٧١، المصباح ص ٤٣٦.

ص: ٨٢

(١٠٤) . وها أنا ذا بين يديك صاغراً ذليلاً خاضعاً خاشعاً خائفاً، معترفاً بعظيم من الذنوب تحمّلته، وجليل من الخطايا اجترمته... موقناً أنّه لا يجيرني منك مجير...: المصباح ص ٦٧٦.

(١٠٥) . وزين ليّ التفرد بمناجاتك بالليل والنهار...: الصحيفه السجّاديه ص ٣٢٨.

(١٠٦) . وهب لي رحمهً واسعةً جامعاً أبلغ بها خير الدنيا والآخرة...: مصباح المتهدّج ص ٥٩٨، إقبال الأعمال ج ١ ص ١٧٧.

(١٠٧) . إلهي، كم من بلاءٍ وجهدٍ قد صرفت عنيّ، وكم من نعمهٍ سابغٍ أقررتَ بها عينيّ... أنت الذي أجبت عند الاضطراب دعوتيّ... بل وجدتك لدعائي سامعاً ولمطالبي معطياً...: الصحيفه السجّاديه ص ٣٧٦.

(١٠٨) . جلّلت أن يخاف منك إلاّ العدل، وأن يُرجى منك إلاّ الإحسان والفضل... يا من يُسمّى بالغفور الرحيم... أقبل توبتي، وزكّ عملي، واشكر سعيي، وارحم ضراعتي...: بحار الأنوار ج ٩٩ ص ٥٦.

(١٠٩) . فإن كانت الذنوب قد حالت بيني وبينك أن تقبل عليّ بوجهك وتنشر عليّ برحمتك وترفع لي إليك صوتاً... متقرّباً بنبئك محمّداً أحبّ خلقك إليك وأكرمهم لديك... وبعترته صلّى الله عليهم، الهداه المهديين...: مصباح المتهدّج ص ٦٩٤، إقبال الأعمال ج ٢ ص ١٠٧، بحار الأنوار ج ٩٩ ص ١٧٢.

- ١ الاختصاص ، المنسوب إلى أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، بيروت : دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الثانية، ١٤١٤ هـ .
- ٢ إقبال الأعمال، السيد ابن طاووس، (ت ٦٦٤ هـ)، تحقيق: جواد الفيومي الإصفهاني، قم : مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة الأولى.
- ٣ الأمالي ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : مؤسس البعثة ، قم : دارالثقافة ، الطبعة الأولى ، ١٤١٤ هـ .
- ٤ الأمالي ، أبو عبد الله محمد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) ، بيروت : دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثانية ، ١٤١٤ هـ .
- ٥ الأمالي ، محمد بن علي بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : مؤسس البعثة ، قم : مؤسس البعثة ، الطبعة الأولى ، ١٤١٧ هـ .
- ٦ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (ت ١١١٠ هـ) ، تحقيق : دار إحياء التراث ، بيروت : دار إحياء التراث ، لطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ .
- ٧ تفسير القمي ، علي بن إبراهيم القمي ، (ت ٣٢٩ هـ) ، تحقيق: السيد طيب الموسوي الجزائري، قم : منشورات مكتبة الهدى، الطبعة الثالثة، ١٤٠٤ هـ .
- ٨ تفسير نور الثقلين ، عبد علي بن جمعه العروسي الحويزي (ت ١١١٢ هـ) ، تحقيق: هاشم الرسولي المحلاتي ، قم : مؤسس إسماعيليان ، الطبعة الرابعة ، ١٤١٢ هـ .
- ٩ تهذيب الكمال في أسماء الرجال ، يونس بن عبد الرحمن المزني (ت ٧٤٢ هـ . ق) ، تحقيق : الدكتور بشار عواد معروف ، بيروت : مؤسس الرسالة ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ .
- ١٠ التهذيب (تهذيب الأحكام في شرح المقنعة) ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، طهران : دار الكتب الإسلامية ، الطبعة الثالثة، ١٣٦٤ ش .

١١ جامع أحاديث الشيعة، السيد البروجردى (١٣٨٣هـ)، قم: المطبعة العلمية.

١٢ الجامع الصغير فى أحاديث البشير النذير، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت ٩١١هـ)، بيروت: دار الفكر، الطبعة الأولى.

١٣ جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، رضى الدين على بن موسى بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسنى الحسينى (ت ٦٦٤هـ)، تحقيق جواد قيومى، قم: مؤسسه الآفاق، الطبعة الأولى، ١٣٧١هـ.

١٤ الخصال، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١هـ)، تحقيق: على أكبر الغفارى، قم: منشورات جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه.

١٥ دستور معالم الحكم، ابن سلامه، (ت ٤٥٤هـ)، قم: مكتبه المفيد، الطبعة الأولى.

١٦ دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، أبو حنيفه النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيون التيمى المغربى (ت ٣٦٣هـ)، تحقيق: آصف بن على أصغر فيضى، مصر: دارالمعارف، الطبعة الثالثه، ١٣٨٩هـ.

١٧ الدعوات، أبو الحسين سعيد بن عبد الله الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت ٥٧٣هـ)، تحقيق: مؤسسسه الإمام المهدى (عج)، قم: مؤسسسه الإمام المهدى عج، الطبعة الأولى، ١٤٠٧هـ.

١٨ روضه الواعظين، محمد بن الحسن بن على الفتال النيسابورى (ت ٥٠٨هـ)، تحقيق: محمد مهدى الخرسان، قم: منشورات الشريف الرضى.

١٩ سنن ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد بن ماجه القزوينى (ت ٢٧٥هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٣٩٥هـ.

٢٠ السنن الكبرى، أبو بكر أحمد بن الحسين بن على البيهقى (ت ٤٥٨هـ)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، الطبعة الأولى، ١٤١٤هـ.

٢١ سنن النسائى، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن على بن بحر النسائى (ت ٣٠٣هـ)، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الأولى، ١٣٤٨هـ.

٢٢ شرح نهج البلاغه، ابن أبى الحديد، (٦٥٦هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مؤسسسه مطبوعاتى إسماعيليان، قم بالأوفسيت عن طبعه دار إحياء الكتب العربيه.

٢٣ صحيفه الرضا، جمع: جواد القيومى الإصفهانى (معاصر)، قم: مؤسسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين.

٢٤ العدد القويه رضى الدين على بن يوسف الحللى (ق ٨هـ)، تحقيق: مهدى الرجائى، قم: مكتبه آيه الله المرعشى العامه،

.٥١٤٠٨

ص: ٨٥

٢٥ عدّه الداعى و نجاه الساعى ، أبو العباس أحمد بن محمّد بن فهد الحلّى الأسدى (ت ٨٤١ هـ) ، تحقيق : أحمد موخّدى ، طهران : مكتبه وجدانى .

٢٦ عون المعبود (شرح سنن أبى داود) ، محمّد شمس الحقّ العظيم الآبى (ت ١٣٢٩ هـ) ، بيروت : دار الكتب العلميه، الطبعة الأولى ، ١٤١٥ هـ .

٢٧ فضل الكوفه ومساجدها، محمّد بن جعفر المشهدى (ق ٥٦ هـ) ، تحقيق محمّد سعيد الطريحي، بيروت : دار المرتضى .

٢٨ فلاح السائل ، رضى الدين على بن موسى بن جعفر بن محمّد بن طاووس الحسنى الحسينى (ت ٦٦٤ هـ)

٢٩ الكافى ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكلينى الرازى (ت ٣٢٩ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، طهران : دار الكتب الإسلاميه ، الطبعة الثانيه ، ١٣٨٩ هـ .

٣٠ كتاب من لا يحضره الفقيه ، أبو جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى .

٣١ كنز العمّال فى سنن الأقوال والأفعال ، على المتقى بن حسام الدين الهندى (ت ٩٧٥ هـ) ، تصحيح : صفوه السقا ، بيروت : مكتبه التراث الإسلامى ، ١٣٩٧ هـ ، الطبعة الأولى .

٣٢ كنز الفوائد، أبو الفتح محمّد بن على الكراچكى (ت ٤٤٩ هـ) .

٣٣ مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، نور الدين على بن أبى بكر الهيشمى (ت ٨٠٧ هـ) ، تحقيق : عبد الله محمّد درويش ، بيروت : دار الفكر ، الطبعة الأولى ، ١٤١٢ هـ .

٣٤ المزار ، محمّد بن المشهدى (ت ٦١٠ هـ) ، تحقيق : جواد القيومى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى الطبعة الأولى ، ١٤١٩ هـ .

٣٥ المزار ، محمّد مكى العاملى الجزينى الشهير بالشهيد الأوّل (ت ٧٨٦ هـ) ، تحقيق ونشر : مدرسه الإمام المهدي- قم الطبعة الأولى ، ١٤١٠ هـ .

٣٦ مستدرک الوسائل، الميرزا النورى، (١٣٢٠ هـ)، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ هـ .

٣٧ المستدرک على الصحيحين ، أبو عبد الله محمّد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (ت ٤٠٥ هـ) ، إشراف : يوسف عبد الرحمن المرعشلى ، طبعه مزیده بفهرس الأحاديث الشريفه .

٣٨ مسند أبى يعلى ، أبو يعلى الموصلى، (٣٠٧ هـ) ، تحقيق : حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث .

٣٩ مسند أحمد ، أحمد بن محمّد بن حنبل الشيبانى (ت ٢٤١ هـ) ، بيروت : دار صادر .

٤٠ مسند الرضا، روايه : داوود بن سليمان الغازى (ت ٢٠٣ هـ) ، تحقيق : أحمد جواد حسين الجلالى ، قم : مركز النشر التابع
لمكتب الإعلام الإسلامى .

ص: ٨٦

٤١ مسند الشاميين، سليمان بن أحمد الطبراني، (ت ٣٦٠ هـ)، تحقيق: حمدي عبد الحميد السلفي، بيروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثانيه، ١٤١٧ هـ .

٤٢ المصباح، الشيخ الكفعمي، (ت ٩٠٥ هـ)، بيروت: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات، الطبعة الثالثه، ١٤٠٣ هـ .

٤٣ مصباح المتهجد، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، بيروت: مؤسسه فقه الشيعه، الطبعة الأولى .

٤٤ المعجم الكبير، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، الطبعة الثانيه، ١٤٠٤ هـ .

٤٥ مفتاح الفلاح، بهاء الدين محمد بن الحسين بن عبد الصمد الحارثي الهمداني العاملي المعروف بالشيخ البهائي، بيروت: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات .

٤٦ مكارم الأخلاق، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، الطبعة الأولى، ١٤١٤ هـ .

٤٧ وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه، محمد بن الحسن الحرّ العاملي (ت ١١٠٤ هـ)، تحقيق: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

